

حقیقت

نشریه روزانه هشتمین جشنواره بین المللی
فیلم مستند ایران / سینما حقیقت - شماره آخر - یکشنبه ۱۶ آذر ماه ۱۳۹۳

CINEMA VERITE IRAN INTERNATIONAL DOCUMENTARY
FILM FESTIVAL.No.8.SUN,7TH DEC.2014



برگزیدگان یک جشنواره باشکوه

هشتمین جشنواره بین المللی سینما حقیقت با معرفی برترین ها به کار خود پایان داد

تندیس در دستانشان

مستند «آتلان» با دریافت چهار جایزه رکورددار کسب بیشترین جوایز جشنواره هشتم سینما حقیقت شد. «چنارستان» و «ابرها در راهند» به ترتیب در رتبه‌های دوم و سوم قرار گرفتند

اسامی برگزیدگان هشتمین جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت

بخش صنایع دستی و هنرهای سنتی

جایزه: تندیس شهید آوینی
دیپلم افتخار / جایزه ۶ میلیون تومان

بخش پژوهش

ابرها در راهند
پژوهشگر: مهدی فارسی
جایزه: لوح تقدیر / جایزه ۴ میلیون تومان

بخش مستند شهر

بهترین فیلم

چنارستان
کارگردان: هادی آفریده
جایزه: لوح تقدیر / جایزه نقدی ۷ میلیون تومان

بهترین کارگردانی

اهالی خیابان یک‌طرفه
کارگردان: مهدی باقری
جایزه: لوح تقدیر / جایزه نقدی ۶ میلیون تومان

بهترین پژوهش

سیروس، بود و نبود یک محله
کارگردان‌ها: مینا سعیدی شهروز / پروین قاسمی
جایزه: لوح تقدیر / جایزه نقدی ۴ میلیون تومان

بخش مسابقه ملی

بهترین کارگردانی مستند کوتاه

قاشق
کارگردان: جلال ویسی
جایزه: تندیس جشنواره

دیپلم افتخار / جایزه نقدی ۸ میلیون تومان

بهترین کارگردانی مستند نیمه‌بلند

آقای بیکار
کارگردان: علی همراز
جایزه: تندیس جشنواره

دیپلم افتخار / جایزه نقدی ۱۰ میلیون

بهترین کارگردانی فیلم مستند بلند

آتلان
کارگردان: معین کریم‌الدینی
جایزه: تندیس جشنواره

دیپلم افتخار / جایزه نقدی ۱۲ میلیون تومان

جایزه ویژه هیأت داوران

جایی برای زندگی
کارگردان: محسن استاد علی
جایزه: تندیس جشنواره

دیپلم افتخار / جایزه نقدی ۶ میلیون تومان

جایزه اول

عمواوغلی

کارگردان: علی جلالی
جایزه: لوح تقدیر / جایزه نقدی ۶ میلیون تومان

جایزه دوم

همه آنچه که من دارم

کارگردان: محمدعلی یزدان پرست
جایزه: لوح تقدیر / جایزه نقدی ۵ میلیون تومان

جایزه سوم

بافندگان خیال

کارگردان: سیدمحمدصادق جعفری
جایزه: لوح تقدیر / جایزه نقدی ۴ میلیون تومان

بهترین پژوهش

درخت سخنگو

پژوهشگر و کارگردان: علیرضا قاسم‌خان
جایزه: لوح تقدیر / جایزه نقدی ۴ میلیون تومان

جایزه شهید آوینی

کوتاه

آشنای غریب

کارگردان: مصطفی شبان
جایزه: تندیس شهید آوینی
دیپلم افتخار / مبلغ ۶ میلیون تومان

مالکیه

کارگردان: محمدباقر شاهین
جایزه: دیپلم افتخار / مبلغ ۴ میلیون تومان

بلند و نیمه‌بلند

پیروزی

کارگردان: حمید کوهپایی
جایزه: تندیس شهید آوینی / دیپلم افتخار
مبلغ ۸ میلیون تومان

وقتی گنجشک‌ها جیغ می‌کشند

کارگردان: خلیل رشنوی
جایزه: تندیس شهید آوینی
دیپلم افتخار / مبلغ ۸ میلیون تومان

*هیأت داوران با توجه به تعداد محدود فیلم‌ها در بخش مستند بلند، دو بخش فیلم‌های نیمه‌بلند و بلند را به طور مشترک داوری کرده.

جایزه ویژه دبیر جشنواره

چه کسی ما را کشت؟

کارگردان: محمدحسین جعفریان

چه می‌گوییم؟ چگونه روایت می‌کنم؟

سینمای مستند به امر واقع استناد می‌کند که از آن به عنوان Document نام می‌بریم. اما مهم این است که آیا این امر واقع که مقابل دوربین ما در جهان اجتماعی و تاریخی رخ می‌دهد به خودی خود ارزش فیلم شدن دارد؟ در اینجا وارد بحثی می‌شویم که همه مستندسازان مطرح با هر شیوه‌ای که کار می‌کنند، تلاش دارند به آن برسند. و آن اینکه «چه می‌گوییم، چگونه روایت می‌کنم، دنبال چه هستیم و می‌خواهیم به چه برسیم». در این فضا مستندساز براساس موضوعی که می‌خواهد کار کند، دنبال یک ایده مرکزی می‌گردد. این ایده شالوده همه آن چیزی است که در موضوع می‌بیند. ایده یک سوال است که مستندساز را هدایت می‌کند و جواب‌های آن آرام آرام در میانه‌ها یا بدنه فیلم به عنوان احکام جزئی، کلیت را ثبت می‌کند. ما امروزه در میان حجم بسیاری از فیلم‌هایی هستیم که از اول پرونده‌شان بسته شده؛ یعنی قضاوت کرده، نتیجه هم گرفته و فقط می‌خواهد قضاوتش را تصویری کند. حالا اینکه به مخاطب اجازه بدهی خودش را در فیلم شریک کند و خودش در انتها تصمیم بگیرد، چیز دیگری است. مسئله کشف و شهود همیشه هست، به خصوص در شیوه مستند مشاهده‌گر. من در یک موقعیت قرار می‌گیرم، نمی‌دانم چه می‌شود و به کجای رسم، اما شخصیت‌ها و موقعیت‌ها را انتخاب کرده‌ام و هدف و ایده اصلی را هم دارم. حالا مهم است که چه بگیرم، چه جوری و از چه موضعی بگیرم، چه جوری بچینم، چه جوری جمع کنم. بخش مهمی از فیلم‌نامه‌نویسی و کارگردانی در مستند مشاهده‌گر در فاز دوم اتفاق می‌افتد. یعنی تدوینگر ویژگی‌های مستند مشاهده‌گر را می‌شناسد، و می‌داند که باورپذیری در سینمای مستند و به خصوص در شیوه مشاهده‌گر یعنی چه، و می‌داند که چه در شیوه «سینمای مستقیم» و چه در شیوه «سینما حقیقت» در هر سکانسی به دنبال «زیرمتن» است. زیرمتن‌ها چگونه درمی‌آیند؟ این کنکاش بزرگ تدوینگر/فیلمساز روی میز مونتاز است و در شیوه‌های مختلف مستندسازی متفاوت است. من مستندساز مشاهده‌گرم. خیلی اوقات بعضی سوال‌هایم را نگه می‌دارم تا سوال و نگاهم را به جهان شخصیت و موضوع برخورد بدهم که بینم چه چیز تازه‌ای بیرون می‌آید. امکان ندارد همه و یا بخش زیادی از ذهنیت‌ها یا شخصیت‌ها و یا موقعیتی که در آن هستیم به اشتراک بگذارم. خیلی وقت‌ها شده که به دنبال چیزی هستیم، اما چیز دیگری پیش می‌آید و بر اساس ایده‌ای که دارم به دنبال آن چیزی که پیش آمده می‌روم و بدون هیچ‌گونه دخل و تصرفی از آن فیلم می‌گیرم.



مستندساز
مهر داد اسکونی



Award Winners Come to Stage

'Atlan' documentary directed by Moein Karimoddini won four awards in different sections. 'Chenarestan' by Hadi Afarideh and 'Clouds to Come' by Mohammad Ali Farsi won the second and third place in the winner's list. The best of each section of the 8th Cinema Verite Film Festival was announced by the jury panel. Atlan won 'Best Feature Documentary' in the International section, 'Best Feature Documentary Director', 'Best Editing' and 'Best Cinematography'. Also, Clouds to Come won award for 'Best Documentary' and Avini Award in research section as well.

آتلان



چنارستان



حیات در گهای سرد



برگزیدگان هشتمین جشنواره بین‌المللی سینما حقیقت از سوی هیات داوران معرفی شدند. مستند «آتلان» به کارگردانی معین کریم‌الدینی موفق به دریافت چهار جایزه در بخش‌های «بهترین فیلم بلند بخش بین‌الملل»، «بهترین کارگردانی مستند بلند»، «بهترین تدوین» و «بهترین تصویربرداری» شد و توانست رکورد کسب جوایز را به نام خود ثبت کند. مستند «چنارستان» به کارگردانی هادی آفریده، با دریافت سه جایزه در بخش‌های «بهترین فیلم شهر»، «بهترین صدا برداری» و «بهترین نویسنده گفتار متن»، در جایگاه دوم ایستاد. فیلم «ابرها در اهند» به کارگردانی محمدعلی فارسی هم علاوه بر اینکه به عنوان بهترین فیلم جشنواره معرفی شد، جایزه بخش پژوهش جایزه شهید آوینی را هم از آن خورد کرد و در کنار «مالکیه» به کارگردانی محمد باقر شاهین در جایگاه سوم فهرست رکورد دارها ایستاد.

بخش مسابقه بین‌الملل

کوتاه

بهترین فیلم

دودکش سفید

محصول: فنلاند

کارگردان: یانی پلتونن

جایزه: تندیس جشنواره / دیپلم افتخار / جایزه ۳۰۰۰ دلار

جایزه ویژه هیات داوران

مالکیه

محصول: ایران

کارگردان: محمدباقر شاهین

تندیس جشنواره / دیپلم افتخار / جایزه ۱۰۰۰ دلار

نیمه بلند

بهترین فیلم

در تعقیب باد

محصول: ایتالیا

کارگردان: فیلیپو تیکوزی

جایزه: تندیس جشنواره / دیپلم افتخار / جایزه ۴۰۰۰ دلار

جایزه ویژه هیات داوران

ننه حسن

محصول: ایران

کارگردان: محمدعلی طالبی

جایزه: تندیس جشنواره

دیپلم افتخار / جایزه ۱۰۰۰ دلار

بلند

بهترین فیلم

آتلان

محصول: ایران

کارگردان: معین کریم‌الدینی

جایزه: تندیس جشنواره

دیپلم افتخار / جایزه بزرگ ۵۰۰۰ دلار

جایزه ویژه هیات داوران

گورستان ماشین

محصول: فرانسه

کارگردان: نادیه تریبال

جایزه: تندیس جشنواره / دیپلم افتخار / جایزه ۲۰۰۰ دلار

* لوح تقدیر بخش مسابقه بین‌الملل جشنواره اهدا می‌شود

به زنده یاد «طاها کریمی» کارگردان فیلم مستند «۱۰۱»

سیب» از کشور عراق.

آیین نكوداشت جشنواره سینما حقیقت

اهدای نشان فیروزه سینماحقیقت، تندیس جشنواره و ۵ سکه بهار آزادی به رضا مہمین (مستندساز اصفهانی پیشکسوت سینمای ایران)؛ محمود کیانی فلاورجانی (فیلمساز تجربی سینمای مستند)؛ زاون قو کاسیان (نویسنده و منتقد باسابقه سینمای ایران)

بهترین فیلم با مفاهیم فرهنگ عاشورا

حاشیه‌ای کوتاه بر یک متن بلند

کارگردان: وحید چاووش

جایزه: تندیس جشنواره

دیپلم افتخار / جایزه نقدی ۷ میلیون تومانی

بهترین تصویربرداری

آتلان

تصویر بردار: محمد لطفیان

جایزه: تندیس جشنواره

دیپلم افتخار / جایزه نقدی ۵ میلیون تومانی

بهترین صدا بردار

چنارستان

صدا بردار: حسن شبانکاره

جایزه: تندیس جشنواره

دیپلم افتخار / جایزه نقدی ۵ میلیون تومانی

بهترین تدوینگر

آتلان

تدوینگر: معین کریم‌الدینی

جایزه: تندیس جشنواره

دیپلم افتخار / جایزه نقدی ۵ میلیون تومانی

بهترین نویسنده گفتار متن

چنارستان

نویسنده گفتار متن: هادی آفریده

جایزه: تندیس جشنواره

دیپلم افتخار / جایزه نقدی ۵ میلیون تومانی

بهترین پژوهشگر

شش قرن و شش سال

پژوهشگران:

استاد محمدرضا درویشی و مجتبی میر تهماسب

جایزه: تندیس جشنواره

دیپلم افتخار / جایزه نقدی ۸ میلیون تومانی

بهترین فیلم

ابرها در اهند / حیات در گهای سرد

تهیه کنندگان: محمدعلی فارسی و فتح‌اله امیری

جایزه: نشان فیروزه سینماحقیقت / تندیس جشنواره

دیپلم افتخار / جایزه نقدی ۱۴ میلیون تومانی

جایزه ویژه دبیر جشنواره بین‌المللی

سفر به آمادای

کارگردان: فرشاد افشین پور

جایزه: تندیس جشنواره / دیپلم افتخار / هدیه ۶ میلیون تومانی

جایزه شبکه مستند سیما

قنوس

کارگردان: جمشید بیات ترک

جایزه: لوح تقدیر / هدیه نقدی

Art & Research

The last review meeting of the Cinema Verite film festival was held last night by the presence of Shahin Amin as film critic, focused on studying four films based on research. During the sitting, the following films were reviewed, including 'Memory of One Way Street' by Mehdi Bagheri, and 'I Want to Be a King' directed by Mehdi Ganji. After 'Chenarestan', Bagheri's work was the second film of the festival made mainly on the subject of Tehran's streets.



پژوهش، هنر، روایت

فیلم‌های «اهالی خیابان یکطرفه» و «من می‌خواهم شاه‌بشم» در آخرین شب «شب نقد» با حضور کارگردان و کارشناسان بحث و بررسی شد

منتقد: مهرزاد دانش ■ مجری کارشناس: شاهین امین

من می‌خواهم شاه‌بشم

■ کارگردان: مهدی گنجی

■ موضوع فیلم: زندگی یک فرد با آرزوهای عجیب

در میان آثار کاراکتر محور جشنواره امسال این مستند رنگ و بوی خاص داشت. مهدی گنجی با مستند «من می‌خواهم شاه‌بشم» مخاطبان بسیاری را به سالن‌های نمایش سینما حقیقت کشاند. در نشست نقد بررسی آن هم حرف‌های جالبی ردوبدل شد.

■ **مهدی گنجی:** خیلی دوست داشتم این نشست بلافاصله بعد از نمایش فیلم برگزار می‌شد تا بتوانم ایرادهای کارم را بهتر درک کنم. اما درباره این مستند شخصاً علاقه‌مند کاراکترها هستم و اگر قرار بر ساخت مستند موضوعی هم باشد باز هم کاراکتری را مرتبط با موضوع در نظر می‌گرفتم. بیشتر علاقه به آدم‌ها دارم تا سوژه‌ها. چند سالی است که علاقه‌مند به آدم‌هایی از طبقه بسیار معمولی و غیر سلبریتی شده‌ام. آدم‌هایی بسیار ناشناخته که یک ویژگی بسیار عجیب دارند و آن اینکه تلاش می‌کنند در دنیای اطراف تاثیرگذار باشند. اینها معمولاً یک آرزوی بلندبالا دارند. چند فیلم درباره این آدم‌ها ساختم. یک مجموعه تلویزیونی هم در این زمینه به بنده پیشنهاد شد و برای آن یک تیم تحقیقاتی به راه‌انداختم. ۶۰۰ نفر در ایران انتخاب شد و از میان آنها به ۱۳ نفر رسیدیم. عباس برزگر یکی از همان آدم‌هاست. وقتی دیدمش دیدم کمی متفاوت‌تر از آن چیزی است که فرض می‌کردم. برایم جذاب شد و نزدیک به ۳ سال و نیم زمان برد تا به او نزدیک شوم. در این زمینه شانس هم آوردم و سرانجام حاصل کار همین فیلمی شد که می‌بینید. بنده سبکی برای فیلمسازی دارم که می‌تواند خطرناک باشد و آن اینکه بنده به تنهایی کار می‌کنم و نهایتاً یک دستیار هم‌راهم هست. این کار خطرناکی است. در دانشگاه همیشه می‌گویند سینما کار گروهی است من هم این را قبول دارم اما به فیلمسازی تک‌نفره رسیدم که برای سبک خاصی از تولیدات مفید است. به عنوان مثال این روش برای ورود به لایه خصوصی‌تر زندگی ایرانی‌ها می‌تواند مفید باشد. مضاف بر این‌ها برای این فیلم شانس هم آوردم.

■ **مهرزاد دانش:** این فیلم من را یاد فیلم لقمان خالدی به اسم «کمی بالاتر» انداخت. دشواری‌های خاصی این نوع مستند دارد و فیلمساز باید وارد زندگی شخصی یک آدم بشود و آنقدر باید صمیمانه شوید تا جزئیات زندگی او مقابل دوربین ثبت شود. آنچه به عنوان بیننده دیدم نحوه جلب اعتماد این آدم و خانواده‌اش بود. اینکه چگونه درونی‌ترین بخش زندگی خود را جلوی دوربین و برای تعداد غریبه‌ها بازگو کنند و اینگونه بیننده را با خود همراه کنند. این کار بسیار مشکلی است. خود فیلم هم روند شسته و رفته‌ای دارد. انگار داستان دراماتیکی را می‌بینیم. بخش از اطلاعات در قالب فلاش‌بک ارائه می‌شود و رفته رفته شاهد شکل‌گیری گره دراماتیک می‌شویم و آن آرزوی شاه شدن است. این آدم میان دو موضوع گیر می‌کند. یکی ادامه زندگی در همین فضای فعلی و رفتن به دنبال تحقق آرزویش. اینجا چالش دراماتیک فیلم شکل می‌گیرد که نقطه عطف روایت می‌شود. فیلم با یک پایان بندی خوب هم به اتمام می‌رسد و آن آدمی است که سوار در ماشین در جاده به سمت تاریکی می‌رود.

اهالی خیابان یکطرفه

■ کارگردان: مهدی باقری

■ موضوع فیلم: روایتی از خیابان سی تیر

در کنار مستند «چنارستان» ساخته هادی آفریده، مستند «اهالی خیابان یکطرفه» دومین مستند با محوریت خیابان‌های تهران در جشنواره هشتم بود. مهدی باقری در این فیلم روایت متفاوتی را از منظر اهالی و چهره‌های شاخصی که با این خیابان خاطراتی فراموش‌نشده داشته‌اند ارائه کرده است.

■ **مهدی باقری:** این فیلم بخشی از پروژه‌ای است که در مرکز گسترش برای مستندسازی درباره خیابان‌های مهم تهران تعریف شد و امسال مستند من و مستند «چنارستان» هادی آفریده از همین مجموعه بود که در جشنواره رونمایی شد و البته دیدید با حاشیه‌هایی هم همراه شد و احتمالاً دیگر این پروژه ادامه پیدا نکند (می‌خندد)! ساخت مستند «خیابان یکطرفه» بیش از یک سال و نیم طول کشید و یکی از دلایل طولانی شدن این فرآیند تعدد مجوزهایی بود که برای فیلمسازی در خیابان به آن نیاز بود. ما نزدیک به ۴۵ مجوز برای این فیلم گرفتیم! در کنار این مسئله بدقولی برخی افرادی که قرار بود با ما همراه شوند هم در این زمینه بی‌تاثیر نبود. واقعیت این است که محدودیت باعث انتخاب این فرم روایت شد. این خیابان ماده تصویری آرشویی به اندازه کافی ندارد. قدیمی‌ترین عکسی که از این خیابان وجود دارد مربوط به دوره قاجار است؛ عکسی از فاصله دور و از خانه اتابک. واقعیت این است که این خیابان هیچ‌گاه خیابان نبوده و ابراهه بوده است. در نتیجه نمی‌توانست به عنوان خیابان تاریخچه‌ای داشته باشد. بیشتر پس و پشت این پوسته ظاهری از منظر خانه و آدم‌هایی که در آن زندگی می‌کردند حائز اهمیت بود. مشخصاً رفته رفته این مسئله که آیا تاریخ‌نگاری خردی که درباره آن صحبت می‌کنیم آیا درباره آدم‌های این خیابان ممکن است یا نه؟ به همین دلیل پایه اسناد تاریخی خود را بر روی آلبوم‌های خانوادگی موجود در این خیابان گذاشتم.

■ **مهرزاد دانش:** آنچه در فیلم آقای باقری حائز اهمیت است تشخیص و نوع نگاه ایشان به مستندسازی درباره یک خیابان است. همانطور که می‌دانید می‌شد رویکردهای مختلفی را برای ساخت چنین مستندی مدنظر داشت. می‌شد یک کارشناس در خیابان به راه بیافتد و از آن بگوید یا نریشن‌هایی در نظر بگیریم تا همه نقاط مهم خیابان در قالب آن معرفی شود. اینها شیوه‌های شناخته شده برای مستندسازی درباره معابر شهری است و آقای باقری از این شیوه‌های کلیشه‌ای فاصله گرفته و سعی کرده از زاویه نگاه کسانی که از این خیابان خاطره دارند و گذشته آکنده از زندگی را در آن تجربه کرده‌اند. قهرمان‌های فیلم همین افراد هستند و خودشان زندگی و گذشته و مقطعی از زندگی‌شان که با عناصر این خیابان تنیده شده را برای خود و برای مخاطب بازخوانی می‌کنند. این رویکرد تازه حس و حال خوبی به مخاطب می‌دهد. این حال و شور خاص در فضای فیلم وجود دارد. هدف فیلم بازگویی یک تاریخ بصری درباره یک خیابان نیست. بیشتر به دنبال شور زندگی است که زمانی در این خیابان جاری بوده آن هم در میان افراد با فرهنگ‌های مختلف.

Narrative & Research

Following the review meeting of the 7th day these films were also discussed, including 'Journey to Amadai' by Farshad Afshinpour, 'Six Centuries, Six Years' directed by Mojtaba Mirtahmasb. Mehrzad Danesh, film critic, mentions the first one as a challenging documentary in the field of presenting wild life. The latter one also shows a scientific, influential research in the world of music. Danesh points out that this documentary begins with a historical background and it is an appropriate intro for an unclear field of research.



تأثیر گذار و سرشار از شگفت زدی

«سفر به آمادای» و «شش قرن شش سال» از پر مخاطب ترین آثار جشنواره در شب آخر مورد نقد و بررسی قرار گرفتند

منتقد: مهرزاد دانش ■ مجری کارشناس: شاهین امین

شش قرن شش سال

کارگردان: مجتبی میر طهماسب

موضوع فیلم: بازخوانی ملودی های عبدالقادر مراغه ای

فیلم، پژوهشی علمی و در عین حال تأثیر گذار در عالم موسیقی را روایت می کند اما در حال و هوای خشک و آکادمیک نمانده و تبدیل به اثری جذاب و گیرا برای مخاطبان عام شده است. «شش قرن شش سال» همزمان با حضور در «سینما حقیقت» در گروه هنر و تجربه به بازرگانی عمومی درآمده است.

■ **مجتبی میر طهماسب:** من در این قبیل جلسات بیشتر شنوده ام چرا که فیلمساز فیلمش را می سازد و ارائه می دهد. اتفاقاً ممکن است مخاطب متخصص در موضوع مستند باشد و به همین دلیل نگاه مخاطب برابم جالب است. درباره روند ساخت این مستند پیش تر بسیار گفته شده اما به صورت خیلی کوتاه می توانم به این اشاره کنم که بنده سال هاست که آقای درویش پور را می شناسم. به بهانه فیلم «شهر آشوب» که عبدالقادر مراغه ای یکی از کاراکترهای آن بود موسیقی کار به آقای درویش پور واگذار و تحقیق برای بازخوانش مراغه ای آغاز شد. در جریان این تحقیقات بودم اما از مقطعی به بعد کنجکاوی لازم برای من به وجود آمد تا با کسب اجازه وارد این کار شوم. حرکت ما بر اساس انطباق و نه انتخاب اشعار بوده است چرا که متن اصلی اسناد موجود نبودند. به صورت کلی تماشاگر نا آشنا با فیلم مستند و حتی نا آگاه نسبت به موضوع فیلم هم ناراضی از دیدن آن نبوده است. چه با شناخت و چه ناگهانی با فیلم مواجه شده فیلم او را ننگه داشته و احساس کرده اطلاعات تازه ای را به دست آورده است. در یک فیلم مستند با موضوع تخصصی مهم این است که چگونه مخاطب را با خود همراه کنی که سعی کردیم با بهره گیری از ساختار و تکنیک های فنی به این مقصود برسیم.

■ **مهرزاد دانش:** مستند با یک پس زمینه تاریخی آغاز می شود. صداهای مبهمی بر هم سوار می شود و این مطلع مقدمه مناسبی برای ورود به یک عرصه پژوهشی مبهم است و گویی از هیچ می خواهیم به نتایج مشخصی برسیم. این درست همان کاری است که آقای درویش پور انجام داده است. مستند «شش قرن شش سال» متکی بر یک بار پژوهشی است. عمده پژوهش های مستند هم کتابخانه ای است اما اینجا مستندساز نفس به نفس پژوهشگر حرکت می کند. از آغاز تا پایان هم همراه با پژوهشگر است و به همین دلیل فیلم متکی بر اپیزودهای معین است و بر مبنای یک روش تحقیق منظم پیش می رود. به همین دلیل یک مستند آکادمیک است که می تواند در زمینه های آموزشی هم کاربردهای بسیاری داشته باشد. در هر یک از این اپیزودها فضاهای خاصی به وجود می آید که منطبق بر همان ساختار آکادمیک است. روند مستند روندی تقسیم بندی شده و حساب شده است. این درست است که مستندساز همراه پژوهشگر بوده اما ثبت تصاویر برای بخش های مختلف به صورت نامنظم نبوده است. مستندساز پژوهشگر نیست. آنچه مهم است بحث خلاقیت در کار هنرمند مستندساز است. آنچه شناسنامه دار می کند یک فیلم مستند را خلاقیت های مستندساز است. فکر می کنم موفقیت «شش قرن و شش سال» هم تا حد زیادی به خلاقیت های آقای میر طهماسب و گروهش متکی است. هر کس می تواند از برخی موتیف ها برداشت هایی داشته باشد اما مهم خلاقیت مستندساز در جاگذاری در دست این موتیف هاست. این خلاقیت می تواند در زنده نگه داشتن یک مستند موثر باشد کما اینکه در این مورد بوده است.

سفر به آمادای

کارگردان: فرشاد افشین پور

موضوع فیلم: محیط زیست همدان

مستند «سفر به آمادای» از موفق ترین فیلم های حیات وحش جشنواره امسال بود که با تمرکز بر منطقه ای خاص از استان همدان روایتی از گونه های جانوری این منطقه ارائه کرده است. این فیلم جز کارهای پر مخاطب جشنواره هشتم بود.

■ **فرشاد افشین پور:** آمادای قدیمی ترین نام منطقه زندگی مادهاست که تا به امروز ثبت شده و بعدها به نام های مثل هگمتانه و همدان تبدیل شده است. در چند روز گذشته به این نتیجه رسیدیم اگر بهترین فیلم های خارجی در حوزه محیط زیست را هم در این جشنواره نمایش دهیم به اندازه یک فیلم اجتماعی مفرح مخاطب را جذب نمی کنند. از این بابت مادر این ژانر مهجوریم و کاش در بخش مجزایی قضاوت می شدیم. مهم این است که استانداردهای ژانر رعایت شود و گر نه در رقابت و قیاس با فیلم های اجتماعی حتما محیط زیستی هادر همان گام نخست عقب می ماند. برای تصویربرداری این مستند ما روزهای زیادی دوربین کاشتیم تا صحنه هایی را ضبط کنند و بعد با استفاده از تصاویر ضبط شده بهترین ها را انتخاب می کردیم. صبر و حوصله در کار ما بسیار مهم است. یکی از فیلمسازان مطرح غرب می گوید قبل از اینکه مستندساز حیات وحش باشید باید حیات وحش را بشناسید. فکر می کنم قبل از هر چیز علم و اطلاع قبلی در تصمیم گیری برای ثبت لحظه ها و نزدیک شدن به جانوران مهم است. مثلاً درباره گرگ واقعیت این است که از دی ما به بعد نمی توان به آنها نزدیک شد و به همین دلیل در آذرماه این تصاویر ثبت شد.

■ **مهرزاد دانش:** حرکت خجسته ای در چند سال اخیر سینمای مستند توجه ویژه تر به مستندهای جانوری و حیات وحش است. هم سال گذشته و هم امسال چند مستند خوب در این حوزه داشتیم. فیلم «سفر به آمادای» فیلم خیلی سختی است و فکر می کنم ثبت خیلی از بازتاب ها و رویدادها کار ساده ای نبوده است. کمتر در یک مستند حیات وحش ایرانی دیده ایم که اینقدر به این جانوران خطرناک نزدیک شوند و حتی وارد فضاهایی مانند پرورش طولگ ها شوند. یا آن صحنه نزع دو عقاب که یک تنازع بقا کامل بود. این صحنه های بسیار دشوار برای بنده شگفتی ساز بود. کیفیت ساخت این صحنه ها واقعا برابم جای سوال داشت. جدا از بحث تخصص و تکنیک و پژوهش که بسیار مهم است بخشی از کار مستند انتخاب فرمت روایت است. انتخاب آقای افشین پور در این فیلم بسیار جواب داده است. فرمت دراماتیکی که مستندساز انتخاب کرده بر اساس رفتارهای فصلی این جانوران از دی ماه تا فروردین سال بعد بوده است. به تعبیری یک روایت گویی از جنس داستان گویی در فیلم جریان دارد و این انسجام روایی مهم ترین امتیاز «سفر به آمادای» است. معمولاً مستندهای جانوری خسته کننده هستند اما این فیلم در ۶۰ دقیقه کاملاً مخاطب را با خود همراه می کند. با این امتیازها اما مشکلی با فیلم دارم و آن اینکه گفتار متن زیادی حماسی بود و می شد کمی در این زمینه متن ساده تر را انتخاب کرد.

Creative Young Talents

Mohammad Afarideh is a former director who still follows the events of the 8th edition of Cinema Verite film festival. In an exclusive interview, Afarideh talks on different issues of Iranian documentary cinema. He was once in charge of running DEFC and he was evidently successful during the time. "Anyway, I love this country, its youth and this passion and enthusiasm", says Afarideh.



کاروان پر شور و خلاق فیلمسازان جوان

مدیر سابق مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی یکی از مخاطبان ثابت جشنواره هشتم بود، او از کیفیت برگزاری این دوره از جشنواره می‌گوید

امید صبوری

o.sabori@gmail.com

نام محمد آفریده با مقطع درخشانی از فعالیت‌های مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی گره خورده و شاهد مثال این ادعا هم فیلمسازان و مستندسازان با تجربه امروز است که کمتر از یک دهه پیش به عنوان جریان نوظهور فیلمسازی با حمایت‌های مرکز گسترش وارد میدان شدند و خیلی زود از میان آنها چندین و چند نام معتبر و آینده‌دار به فهرست فیلمسازان سینمای ایران افزوده شد. آفریده که از بنیان‌گذاران شکل‌گیری جشنواره «سینما حقیقت» محسوب می‌شود و سابقه چند دوره هدایت آن را هم دارد، امسال و در مقام یک مخاطب - کارشناس حضوری پررنگ در جشنواره هشتم داشته است.

با توجه به اینکه در این دوره مسئولیت اجرایی در «سینما حقیقت» ندارید چرا همچنان خود را ملزم به حضور مستمر در این رویداد می‌دانید؟
بنده به هر حال این کشور، جوانان آن و این شور و علاقه را دوست دارم. هر وقت می‌بینم فعالیت مثبت و مستمری در حال اجراست حسم به من می‌گوید که نتایج خوبی به دنبال خواهد داشت. همواره آدم امیدواری بوده‌ام و به رغم برخی سوء تفاهم‌ها و سوءظن‌ها احساس می‌کنم این نسل راه خود را پیدا کرده و خواهد کرد و به کمال فرهنگی خواهد رسید.

آنچه امروز شاهد هستید تا چه اندازه متناسب با کاشته‌های دیروز شما و انتظاراتی است که به عنوان یک مدیر داشتید؟

نگاه بنده در دوران مسئولیت همواره این بود که سینما نیاز به خانه تکانی دارد. آدم‌های بزرگ سینما نیاز به رقیب دارند. سینمای بدون رقیب محکوم به افت است. از طرف دیگر در آن مقطع سرمایه‌های بسیاری در این کشور وجود داشت که به دلیل بروکراسی در اختیار جوانان قرار نمی‌گرفت. این باعث شد بنده به همراه دوستانم به جوانان اعتماد کنیم و کاروان پر شور و خلاق فیلمسازان جوان را به راه بیندازیم. آنچه باعث اجرایی کردن این ایده برای من شد جوانانی بودند که تحت عنوان بسیج در دوران دفاع مقدس دیده بودم. جوانانی که با حداقل امکانات حماسه می‌آفریدند. جوانان امروز در جهاد اکبر هستند و شرایط سخت‌تری نسبت به آن دوران دارند اما هیچ چیز در اختیارشان نیست. مشکلات بسیاری پیش روی آنها است و تلاش من این بود که اینها وارد جریان تولید شوند. تولید باعث خودسازی می‌شود و تولیدکننده را به قله‌های فرهنگی می‌رساند. احساسم این بود که این جوانان باید کنار سفره جمهوری اسلامی بنشینند و نان این مملکت سر سفره‌شان برود تا بسیاری از آرزوهای ایران اسلامی را برآورده کنند. خاطر هست زمانی که «سینما حقیقت» در آستانه تولد بود جلساتی با مستندسازان داشتیم که آرزوی چنین رویدادی را داشتند. به لطف خدا امروز

شاهد برگزاری دوره هشتم این جشنواره هستیم. امیدواریم صدمین سال آن را هم آیندگان جشن بگیرند. مستند ریشه سینما است و سینمای مستند می‌تواند باعث تزکیه جامعه شود. می‌تواند هشدار دهد و بسیاری مشکلات را رفع کند. اما برای رسیدن به این منظور باید همه شکیبیا باشیم. متأسفانه شرایط جامعه امروز به گونه‌ای است که شکیبایی از بین رفته و دچار سوءظن شده‌ایم. باید این انرژی را دوست داشته باشیم و قدر بدانیم. در آن صورت است که می‌توانیم به دریای موج جامعه امید تزیق کنیم.

تأثیری که انتظار داریم سینمای مستند بر جامعه داشته باشد کمی با نبود سیستم توزیع و عرضه مناسب آثار مستند در تناقض نیست؟

خدا به بنده توفیق داد که در مقطعی ۱۰ ساله از سال ۷۵ تا اواخر ۸۴ بستری برای نمایش آثار مستند، کوتاه و انیمیشن در قالب برنامه «سینمای دیگر» در تلویزیون فراهم بیاورم. در این ۱۰ سال تلویزیون پنجره‌ای منظم برای این منظور بود و این نظم به دیده شدن آثار کمک می‌کرد. یکسال برنامه نمایش ویژه در سینما فلسطین هم داشتیم اما اینها حداقل بود. اگر مسئولان نگاهشان به این ظرفیت تغییر کند و بدانند این به نفع آینده جامعه است باید به استقبال آن بروند. تلویزیون و سازمان و نهادهای بسیاری امروز هنوز به اهمیت سینمای مستند پی نبرده‌اند. حلقه مفقوده‌ای که شما از آن صحبت می‌کنید همین نمایش فیلم مستند است و اگر تلویزیون و سازمان‌های دیگری در یک همکاری چند جانبه کمک کنند خیلی از مشکلات ما در عرصه فرهنگ و به خصوص سینمای داستانی حل خواهد شد.

در این زمینه فکر می‌کنید طرح احکام آثار مستند در قالب گروه «هنر و تجربه» می‌تواند موثر باشد؟

هر اقدامی که باعث نشاط فرهنگی شود قابل تقدیر است و باید از آن استقبال کنیم اما وقتی این ظرفیت و دریای بی‌کران را در جشنواره می‌بینیم متوجه می‌شویم این طرح‌ها حداقلی است. در سطح کلان تر باید تکلیف‌مان را با این حوزه مشخص کنیم. همه داشته‌های مان را یک بار هم که شده در تعامل همه سازمان‌ها در این حوزه باید بررسی کنیم تا پس از آن تکلیف کشور در تمام وجوهش نسبت به این حوزه تبیین شود. متأسفانه ما در این رابطه در ابتدای راه هستیم.

با توجه به اینکه در روزهای پایانی جشنواره هشتم هستیم چه تحلیل و ارزیابی‌ای از این دوره دارید و به طور خاص چه فیلم‌های خوبی دیدید؟

به خاطر کارهایی که دیدم باید تبریک بگویم هم به مستندسازان و هم به مسئولان و امیدوارم شرایط برای آن بهتر شود. آنچه اهمیت دارد شور و نشاط جوانان و فیلمسازان با تجربه است. این گردهمایی را باید همه به فال نیک بگیریم. این یک جشن ملی است و به جای سیاه‌نمایی درباره این جشن باید از این موهبت الهی برای تمام خواسته‌هایمان بهره ببریم. چون همه مستندسازان را دوست دارم نمی‌توانم مصداقی بگویم اما آنچه مشخص است این است که همه دارند تلاش می‌کنند. فیلمسازان جوان ما به رغم همه سوءظن‌ها نسبت به این حوزه مثل سربازان گمنامی هستند که دارند تصویری از امروز کشور برای آیندگان ثبت می‌کنند و این تصویر می‌تواند جامعه را پالایش کند.

تبریک و یک آرزو

به خاطر کارهایی که دیدم باید تبریک بگویم هم به مستندسازان و هم به مسئولان و امیدوارم شرایط هم بهتر شود. آنچه اهمیت دارد شور و نشاط جوانان و فیلمسازان با تجربه است. این گردهمایی را باید همه به فال نیک بگیریم. این یک جشن ملی است و به جای سیاه‌نمایی درباره این جشن باید از این موهبت الهی برای رسیدن به خواسته‌هایمان بهره ببریم.

اصل مطلب

رشته‌ای که پیوندها را محکم‌تر کرد

هشتمین جشنواره «سینما حقیقت» با حضور میهمانان بین‌المللی در پیچه‌ای متفاوت را بر چشم انداز سینمای مستند ایران گشود

آیداتدین

aida.tadayon@gmail.com

مهم‌ترین دستاوردهای جشنواره امسال با حضور میهمانان خارجی که از سراسر دنیا به ایران آمدند پیوند خورده است. فیلمسازان برجسته، مستندسازان مطرح، متخصصان، تهیه‌کنندگان و بخش‌کنندگان شناخته‌شده بین‌المللی، این بار در فضایی صمیمانه تر با مخاطب سینمای مستند رو به رو شدند. در بعضی موارد نگاه‌های تیره و تاریک آن سوی آبی‌ها به ایران با چرخشی ۱۸۰ درجه‌ای مواجه شد و تصویر ناخوشایندی که رسانه‌های غربی از ایران و مردمان خونگرمش ترسیم کرده‌اند ناگهان فرو ریخت. فعالان بین‌المللی حوزه مستند با حضور در جشنواره هشتم و تبادل نظر با متخصصان داخلی و مخاطبان عام آن به ابعاد ناشناخته سینمای مستند ایران دست یافتند و حالا با دستی پر، نگاهی جلا یافته و پیوندی که محکم‌تر شده ایران را به مقصد کشورشان ترک می‌کنند. اما پیش از آن، ما به سراغ سه نفر از سرشناس‌ترین میهمانان این دوره رفتیم و از تجربه حضورشان در ایران و حال و هوای «سینما حقیقت» پرس و جو کردیم. ترولس لی، فاطمه کریمه سونیوسل و ایتنوشی کاواسه از مهمانان مهم این جشنواره بودند.

مشروح گفت‌وگو را در صفحات ۸ و ۹ بخوانید



جسارت تحسین برانگیز

محمد رضا مقدسیان

داور بخش ملی هشتمین جشنواره سینما حقیقت

ما آثار منتخب هیات انتخاب را در سه بخش کوتاه، نیمه بلند و مستند بلند طی ۹ روز داوری کردیم. نمایش آثار با مستندهای کوتاه آغاز شد. به گمان من بیشتر آثاری که در این بخش به نمایش درآمد مناسب نمایش در تلویزیون است و در خور جشنواره سینما حقیقت نبود. در بخش نیمه بلند، داستان کمی فرق می‌کرد. در این بخش تفاوت کیفی آثار در مقایسه با آثار کوتاه کاملاً مشهود بود اما همچنان راضی کننده نبود. ولی خوشبختانه در بخش مستندهای بلند، آثار ارائه شده بهتر از مستندهای نیمه بلند و کوتاه بود. در این بخش با مستندسازان صاحب نامی مواجه بودیم که طی سال‌ها، پختگی لازم را برای ساخت اثر بلند کسب کرده‌اند.

معتمد تعدادی از آثار کوتاه، نیمه بلند و بلند ارائه شده قابلیت اکران در سینماها و ارائه به بازار شبکه خانگی را دارند ولی ابتدا باید برای آنها بستر سازی شود. تلویزیون با همین تعداد بیننده‌هایی که دارد اگر بخواهد، می‌تواند برنامه‌هایی را برای معرفی و تبلیغ این آثار تهیه کند. با تولیدکنندگان این آثار به گفت‌وگو بنشینید و آنها را به توده مخاطبان شناسانید. البته این زمانی به نتیجه ملموس و واقعی دست پیدا خواهد کرد که تولید در سینمای مستند ما بر اساس عرضه و تقاضا و قوانین حاکم بر بازار شکل بگیرد و توزیع و نمایش در چارچوب نیازهای مردم برنامه‌ریزی شود. تولید در سینمای مستند ما هنوز دولتی است.

امروز آقای طباطبائی نژاد، مدیر مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی است. خیلی تلاش می‌کند، با حسن نیت است و می‌تواند در مدیریت او به گسترش و پویایی سینمای مستند امید داشت. چه تضمینی وجود دارد؟ ممکن است فردا او برود، نفر بعدی بیاید و همه چیز را به هم بریزد. با همه سختی و دشواری که مردم و مستندسازان در دولت پیشین داشته‌اند ولی باز سینمای مستند به رشد خود ادامه داد. اکنون سال هاست در تهران و شهرستان‌ها مردم به صورت خودجوش خانه‌هایی برای نمایش فیلم مستند آماده کرده‌اند. تعدادی از فرهنگسراها و سالن سینماها در شهرستان‌ها هر هفته فیلم مستند نمایش می‌دهند و مردم و خانواده‌ها از این نمایش‌ها استقبال می‌کنند. همه این اتفاقات مهم است ولی مادر تولید فیلم مستند مشکلات بزرگی داریم که تا این مشکلات حل نشود راه به جایی نخواهیم برد. این که پروسه تولید فیلم مستند از کجا شروع می‌شود مشخص است و انتهای آن هم، یعنی توزیع و نمایش کاملاً معلوم است. جشنواره هم لایه برای این برپای می‌شود که در آن فیلم‌های برتر را مشخص کند و برای تشویق سازندگان آن جایزه‌ای بدهد، سر و صدایی راه بیندازد و کاری کنند که جشنواره هم در تالی و رشد سینما نقش داشته باشد. حرف این است، که ما جشنواره‌های متعددی در طول سال برگزار می‌کنیم ولی هنوز در تولید، در ابتدای راه هستیم و مشکلات زیادی داریم که باید حل شود.

جسارت مستندسازان مادر این شرایط سخت و دشوار تحسین برانگیز است، ولی جسارت، برای ساختن یک فیلم موفق و دیدنی، کافی نیست. باید پارامترهای دیگری را هم در نظر گرفت مثل ساختار که بیشتر این آثار فاقد آن بودند. فیلم مستند بدون یک پژوهش سینمایی منسجم معنا ندارد؛ پس اگر در جشنواره، ما کمتر فیلم خوب دیدیم لایه پژوهش در جایگاه خود نبوده و اهمیت لازم به آن داده نشده است. البته پژوهش به طور کلی در دانشگاه‌های کشور هم جدی گرفته نمی‌شود.

Interview

No.8 - Sun, 7th Dec - 2014

CINEMA VERITE Iran International Documentary Film Festival

An Intimate Connection

The 8th edition of the Cinema Verite International Documentary Film Festival provided a new perspective for international guests and experts who came to Iran from all around the world. They attended the meetings, specially workshops and the 4th documentary film market and they talked to the audiences, to Iranian filmmakers and producers. A new, intimate connection was formed through the past week. Now, there are people who are leaving Iran to their home country, while the image in their mind has been changed in a positive way. In an exclusive interview, Truls Lie, Kerime Senyucel and Itsushi Kawase talked about their very personal experience of being at Cinema Verite Festival.



لذت کسب تجربه‌ای بی‌نظیر

ایتیوشی کاواسه تجربه حضور در کارگاه‌های تخصصی و نشست‌های نقد فیلم را مسحور کننده توصیف می‌کند

ایتیوشی کاواسه، انسان‌شناس و مستندساز ژاپنی، با هدف برگزاری کارگاه تخصصی و نمایش آثارش به ایران سفر کرده است. این کارگاه با محوریت موضوع «انسان‌شناسی تصویری» (با نگاهی به سینمای مستند ژاپن) از جمله نشست‌های بسیار گرم و صمیمانه جشنواره امسال بود. کاواسه در گفت‌وگو با نشریه روزانه میزبان علاقه‌اش به تعامل با فیلمسازان ایرانی برده‌بود داشته است.

رشد انکارناپذیر سینمای ایران

مستندساز ترکیه‌ای با اشاره به رشد چشمگیر سینمای ایران در یک دهه گذشته، از رویکرد خلاقانه مستندسازان ایرانی می‌گوید

کریمه سونیوسل، مستندساز و تهیه‌کننده ارشد شبکه تی‌آرتی، از استانبول ترکیه به ایران سفر کرده تا در جشنواره هشتم سینما حقیقت حضور پیدا کند. کریمه فارغ‌التحصیل رشته تاریخ هنر است و با این‌که جایی در همسایگی ایران زندگی می‌کند، می‌گوید تصورشان از ایران با واقعیت ملموسی که این روزها می‌بینند زمین تا آسمان فرق داشته است.

زبان مدرن مستندهای ایرانی

تروس لی نیاز سینمای مستند ایران را بر داختن به تفکر انتقادی و نگاه فلسفی می‌داند

تروس لی در ۱۹۵۷ در سوئد به دنیا آمد. او علاوه بر مستندسازی و تئوری فیلم در نشریه «لوموند»، مدتی هم سردبیر مجله مستندارو بوده است. لی فارغ‌التحصیل رشته رسانه و فلسفه از دانشگاه اسلو نروژ است. او به عنوان یکی از میهمانان مهم جشنواره هشتم در گفت‌وگو با نشریه روزانه از حال و هوای سفرش به ایران گفته است.

من برای نمایش فیلمم و مستقرانی در کل گاه تخصصی مستند به ایران شدم و از آن جایی که با دوستان ایرانی بسیاری در خارج از ایران ارتباط دارم همیشه برایم جذابیت داشت که به این کشور سفر کنم ایرانی‌ها بسیار خلاق، هنرمند و باهوش هستند و من همیشه از بحث و گفتگو با آنها لذت می‌برم بنابراین قسمم این بود که بیشتر از نزدیک با فرهنگ ایرانی و مردم آن آشنا بشوم.

بنا بر این حلالی می‌توانید از تجربه حضورتان در ایران و جشنواره سینما حقیقت گفتگو کنید.

واقعاً شگفت‌زده‌ام، همه چیز تا به اینجا مسخو رکننده بوده است. من هرگز گفت‌وگویی تا این حد عمیق و روشنفکرانه با مخاطبانم نداشته‌ام. لازم است بگویم که در جلسه سه ساعته کارگاه ساعت را به سخنرانی و یک ساعت را به نمایش فیلم اختصاص داده‌ام و خود دقیقه‌بانه با منی جلسه، نود دقیقه، نه و صفر بود دقیقه صرف بحث و گفت‌وگو میان من و حاضران در جلسه شد، برای یک اصطلاح هم سکوت برقرار نشد و جلسه پرشماره و پاستخ و زنده نیفتاد. من هرگز بحث بین من و مخاطبان هر اصطلاح نمی‌شنیده‌م. همین‌جا زنده بودم، حضار هیچ‌کس را ندیدند و به حرات می‌توانم بگویم هرگز تا پیش از این چنین تجربه فوق‌العاده‌ای نداشته‌م.

با توجه به مدت زمان حضورتان در جشنواره چه برآوردی از آینده سینمای ایران دارید؟

به نظر من تنوع آثار ایرانی روز به روز در حال افزایش است و شما بیشتر شاهد تنوع متدها و تکنیک‌های مستندسازی و سبک‌های جدید قلمه‌گویی خواهید بود. به علاوه این تنوع حوزه فیلمسازی تجربی را هم شامل می‌شود. به نظر من سینمای ایران کمی تنوع و گوناگونی وسیعی بر خور دارد و است و گرایش‌های مخصوص به خودش را دنبال می‌کند. با این حال، در نظر گرفتن اینکه ضروری است که همچنان فیلمسازان بیشتری باید در ایران آموزش ببینند و تلاش کنند تا فیلمسازی که در خارج از ایران زندگی می‌کنند تعامل و ارتباط برقرار کنند. به این ترتیب، شاهد رشدی ویژه در حوزه ساخت فیلم مستند خواهیم بود.

کلیت جشنواره سینما حقیقت را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

بخش نشست‌ها و کارگاه‌ها را خیلی دوست داشتم، چون زمان کافی برای بحث و تعامل نظر وجود داشت و به نظر من واقعاً تحسین برانگیز بود. امسال هشتمین دوره جشنواره برگزار می‌شود و به نظر من این روند باید همچنان ادامه پیدا کند تا در سال‌های آینده با دعوت از میهمانان خارجی بیشتر شاهد رشد سینما حقیقت به خصوص به لحاظ بین‌المللی باشیم.

با ژنر بین‌رنگی این جشنواره را چه دیدید؟

کارگاه فوق‌العاده بود و دوست فیلمسازها ویژه حضور استعدادهای جوان و دانشجویان مشتاق مسخو رکننده بود. به نظر من رسید بسیار مفید فایده خواهد بود اگر جذاز جشنواره به برگزاری چنین کارگاه‌هایی ادامه دهید و فرصت بحث و گفت‌وگو را برای فیلمسازان و علاقه‌مندان حوزه مستندسازی بیشتر فراهم سازید.



بله اولین بار است مدت‌ها بود که به دلیل علاقه قلبی‌ام به فرهنگ غنی ایرانی‌ها در انتظار چنین سفری به سر می‌برم. بنابراین زمانی که برای حضور در جشنواره سینما حقیقت دعوت‌کنندهم بلافاصله قبول کردم.

با سینمای ایران و به خصوص حوزه مستند تا چه اندازه آشنایی داشتید؟

از وقتی دعوت‌نامه دریافت کردم تمام تلاشم این بود که از طریق جست‌وجو در این اینترنت گفت‌وگو با دوستان فیلمسازم به ویژه با منم مستندسازان ترکیه و بعضی از طرفداران بافضای سینمای مستند ایران آشنا شوم. البته سینمای داستانی ایران را به واسطه نمایش آثار این حوزه در دیگر جشنواره‌های بین‌المللی دنیایم شناختم.

از همان آثار ایرانی به نمایش درآمده کدام فیلم را بیشتر ایش تر پسندیدید؟

«جنارستان» از خیلی دوست داشتم. فیلمی که در باره خیابان اربعه بود و به نظر من شیوه جالبی را برای ترسیم سوژه اثر انتخاب کرده بود.

حالا که با سینمای ایران آشنایی نسبی پیدا کرده‌اید، بارزترین ویژگی آن را در چه می‌بینید؟

با وجود دشواری‌های ساخت فیلم مستند، به نظر من فیلمسازان ایرانی خیلی خوب توانسته‌اند به خلاقیت هنری دست پیدا کنند. گاهی همین دشواری‌ها باعث شکوفایی خلاقیت هنرمند می‌شود. این‌ها را می‌توانیم با فیلمسازان اروپایی مقایسه کنیم. تفاوت‌های مهمی در این زمینه‌ها وجود دارد. به عنوان مثال، در ایران فیلمسازان به واسطه محدودیت بودجه و امکانات، مجبورند خلاقیت‌های خود را در این زمینه‌ها نشان دهند. در حالی که در اروپا، فیلمسازان به واسطه دسترسی به بودجه و امکانات، می‌توانند به راحتی به سراغ تکنیک‌های پیچیده و گران‌قیمت بروند. در ایران، فیلمسازان اغلب با محدودیت‌ها مواجه می‌شوند و این محدودیت‌ها می‌تواند به خلاقیت و نوآوری در فیلمسازی منجر شود. همچنین، در ایران، فیلمسازان اغلب با چالش‌های فرهنگی و اجتماعی مواجه می‌شوند و این می‌تواند به خلق فیلم‌هایی با مضامین عمیق و چالشی منجر شود. در حالی که در اروپا، فیلمسازان اغلب با چالش‌های فنی و مالی مواجه می‌شوند و این می‌تواند به خلاقیت در استفاده از تکنیک‌های نوین منجر شود.

جایگاه جشنواره سینما حقیقت را در سطح بین‌المللی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به نظر من جشنواره با اهمیت و کوشش فراوانی برپا شده است و همه چیز نشان می‌دهد که تیم برگزارکننده و مسئولان هماهنگی جشنواره، رحمت زیادی برای این رویداد کشیده‌اند. در مدتی که اینجا بودم آنها همواره حضور داشتند و آماده راهنمایی و کمک بودند. همان‌طور که می‌توانید «ایفا» (جشنواره بین‌المللی فیلم مستند آمستردام) بهترین جشنواره فیلم مستند اروپا محسوب می‌شود و لازم است که این جشنواره را به چشم یک الگو نگاه کرده و از تجربیات آن برای الهام گرفتن به‌نظم جنبه‌های مثبت جشنواره سینما حقیقت بسپاریم. بیشتر از کمبودهای آن است و از طرف دیگر شنیده‌ام برنامه‌ریزی‌های زیادی برای رشد و توسعه آن انجام گرفته است. تنها کمبود موجود به‌نظم کمبود بودجه جشنواره است. برای این است تا از این طریق میهمانان خارجی فرصتی اختصاصی برای آشنایی با آثار مستند ایرانی است. سال‌ها گذشته پیدا کنند.

ایران واقعی در قاب سینما



به نظر من اگر آینده مهمی برای فیلمسازی داشته باشیم و روی آن با فشاری کم کنیم، موفقیت به شما نزدیک است. به لحاظ جهانی هم، اطمینان دارم جشنواره‌های بین‌المللی زیادی هستند که درباره تولیدات سینمایی ایران کنجکاو هستند و علاقه دارند تا واقعاً روزی از ایران اطلاع بیشتری به دست آورند. همان‌طور که می‌توانید شواهد بسیار زیادی در باره ایران وجود دارد که به ویژه در رسانه‌های آمریکایی به مردم جهان به دست می‌رسد و این در حالی است که هیچ کدام این شواهد حقیقت‌نقدار دقیقاً به همین علت، ایران را با فیلمسازان پیشرویی که در این زمینه به واسطه مدیوم سینما مردم جهان با چهره واقعی ایران آشنا شوند. ایرانی‌ها واقعه دمان خونگرم و مهریانی هستند و این دید منفی باید تغییر کند و سینما بهترین راه برای آشنایی موضوع است.

این اولین سفر من به ایران است. پیش از آن خیلی کنجکاو بودم که با مردم ایران و فرهنگ ایرانی آشنا بشوم، چون در گذشته به کشورهای مختلفی در خارج از جمله مصر، لبنان و فلسطین سفر کرده بودم. صمیمیت و مهریانی آدم‌های اینجا را واقعه دوست دارم. خیلی خوشحالم که به ایران آمدم.

حضور در کارگاه تخصصی جشنواره چه دستاوردی برای شما و مخاطب ایرانی داشت؟

من در کارگاه سه ساعته حضور داشتم که فصل آن آشنایی با فیلم مقاله (essay film) بود. این اصطلاح به فیلم‌های مستندی مربوط می‌شود که در پیوند با تفکر تخصصی قرار ساخته می‌شوند و منظره انتقادی دارند. دو ساعت آخر جلسه به پرسش و پاسخ اختصاص داشت. در این مدت مباحث نظری بیشتری در ارتباط با فیلم مقاله مطرح شد. نمودن در این نشست حاضر بودند و من از نوع پرسش‌ها و نحوه سوال کردن تک‌افراد واقعه نگریم. به‌نظم همه چیز خیلی خوب پیش رفت و شاید بهتر باشد نظر شرکت‌کنندگان را هم جویا بشویم. پیش از این تا چه اندازه با سینمای ایران به‌ویژه آثار مستندش آشنایی داشتید؟

من در گذشته به نمایش‌های بعضی آثار داستانی و مستند سینمای ایران نرسیده بودم و در نتیجه می‌توانم بگویم با فضای فیلم‌های ایرانی به هیچ وجه بیگانه نبودم. در کل نظر من این است که ایران صاحب طیف وسیعی از فیلمسازان استعدادهای بسیار خوبی است. چون شنیده‌ام سالانه چیزی در حدود ۱۰۰۰ فیلم مستند به صورت مستقل در ایران ساخته می‌شوند. فیلمسازان و کارگردانان ایرانی صاحب خلاقیت هستند و همچنین زبان آثار مستند ایرانی که روز به روز در دنیا بیشتر شناخته می‌شود بسیار آموزی و مدرن به نظر می‌رسد. سینمای ایران «وضعیت انسان» را چه از منظر فلسفی و چنانچه به تصویر می‌کشد.

سطح جشنواره سینما حقیقت را چه طور ارزیابی می‌کنید؟

به نظر من جشنواره هم سطح و هم تراز بسیاری از جشنواره‌های فیلم اروپا است. من شاهد نمایش فیلم‌های واقعه جهانی در این جشنواره بودم. به ویژه اثری از سینمای مصر و در مجموع آثار خیلی خوبی روی پرده رفتند.

چه توصیه‌ای برای مستندسازان ایرانی دارید؟

دوران تلکوستی در ساخت آثار مستند به سرا آمده است. به‌نظم به قدر کافی آثار شخصیت‌محوری که در آنها یک پرسوناژ راوی کل ماجرا فیلم است در این حوزه ساخته شده‌اند. سلیقه من با فیلم‌های موضوع‌محور، بیشتر همچوانی دارد. این معنا که گاهی باید از وادی احساس فاصله گرفت و عمیقاً به فکر پرداخت درست است. سینما را به احساسات و عواطف بشری است اما اگر فیلم‌ها را با تکیه از احساس و نگاه انتقادی و تحلیلی که مسائل مانند اثری نیرومندتر و تأثیرگذارتر خلق می‌شود. بنابراین، مهم‌ترین توصیه‌ام به فیلمسازان ایرانی این است که چرا قدری فلسفی تر به مسائل نگاه نکنیم و با استفاده از رویکرد انتقادی و طرح پرسش قدری از مرزهای احساسی فراتر برویم؟

شیفته حضور انبوه مخاطبان جوان



«سینما حقیقت» یک جشنواره فیلم مستند همه چیز تمام است که فقط با دید در بخش‌های مختلف رشد و توسعه پیدا کند. در مدت برگزاری جشنواره چیزی که بیش از همه مرا معذوب خودش کرد تماشاگر جمعیت انبوه جوانان و علاقه‌مندان جوانی بود که برای تماشاگرای فیلم‌ها به جشنواره می‌آمدند. واقعه تحت تأثیر فراوانی که منظره‌های دانه جوانان ایرانی تا چه حد تحت تأثیر فرهنگ غربی‌ها قرار دادند، اما باید بگویم که جوانان ترکیه‌شده پیدا با آنها چه فرهنگی غربی و فرهنگ عامه آنسوی آبی‌ها رفته و رفته هستند. بنابراین، مواجه شدن با علاقه جوانان ایرانی به این جشنواره برایم بسیار جالب بود. در مقامی سایر جشنواره‌های بین‌المللی، اینجا من احساس می‌کنم که در خانه خودم هستم، چون ما نقاط مشترکی فرهنگی زیادی با یکدیگر داریم و قدمت این نژاد یکی به قرن‌ها پیش بازمی‌گردد.

نکاتی به روایت کریمه سونیول

مستند
بلند

A Historical House

Parisa Eshghi tells the story of a house belonged to one of the Iran's most acclaimed artistic couple. It shows how this house was made and what important events took place in there. Eshghi talks on the historical point of view of the film. Making biographical documentaries is one of the most usual genres of documentary filmmaking in all around the world. This full-length documentary portrays the place where Jalal Al-Ahmad and Simin Daneshvar, two famous writers, lived once. "I wanted to make all the events of this house everlasting", the director says.

یک خانه پر از ماجراهای تاریخی

مستند «خانه سیمین و جلال» روایتی است از چگونگی ساخت خانه دو نویسنده مشهور کشورمان و اتفاقات مهمی که در آن رخ داده است، روایت پرینا عسقی از ساخت این مستند را بخوانید

احمد رضا حجاززاده

am.mehr289@gmail.com

ساخت مستندهای بیوگرافی از شایع ترین گونه‌های مستندسازی در همه کشورهای دنیا است اما در کشور ما چنین مستندهایی به ندرت و در موارد خاص و شرایط دشوار ساخته می‌شوند. پرینا عسقی بعد از ساخت مستندی درباره جلال آل احمد، اکنون مستند دیگری، این بار در مورد خانه این نویسنده مشهور و معاصر و همسرش کارگردانی کرده است. فیلم مستند «خانه سیمین و جلال» به مکان زندگی جلال آل احمد و سیمین دانشور و فعالیت‌های ادبی آنها می‌پردازد. عسقی برای تولید این مستند، پروسه‌ای طولانی و پر زحمات را پشت سر گذاشته اما به نظر می‌رسد از نتیجه کار راضی است. درباره فیلم مستند «خانه سیمین و جلال» با کارگردان آن گفت‌وگو کردیم.

دارند به دیدنشان بروند، وجود یک هویت است که از قرن‌ها پیش مانده. یک شهر با بزرگراه، سیمان، سنگ و هایپر شکل نمی‌گیرد. با چیزهای دیگری مفهوم روح پیدا می‌کند. در شکل روایی این مستند، از فرم گفت‌وگو با افراد استفاده کرده‌اید یا ترکیب تصویر و گفتار متن؟

برای این که مخاطب با تمام زوایای ماجرا آشنا بشود، در طول فیلم دو روایت داریم که از زبان آل احمد و دانشور نام‌ها خوانده می‌شوند؛ نام‌هایی که سیمین در آمریکای نوپسند و جلال در تهران و بالاخانه‌ای که در خیابان سعدی اجاره کرده تا این خانه در شمیران ساخته بشود. علاوه بر این، روایت دوستان قدیمی و نودساله آل احمد و یکی دو نفر از اقوام ایشان را داریم که شاهدان عینی هستند و در دنیا، حرف‌های آنها به اسناد شفاهی معروف است.

شما دو بازیگر را انتخاب کرده‌اید تا صدای سیمین و جلال را بازی کنند.

بله، من می‌خواستم آنها بازی کنند و خیلی جاها این بازی را داشتیم. چون خانه نیما یوشیج هم در همسایگی جلال بود، از مقاله «پیر مرد چشم ما بود» استفاده کردیم. ما با آقای آقاخان، بارها تکه‌های منتخب از آن متن را برای فیلم خواندیم. حتی گاهی من نظر ایشان را نمی‌پذیرفتم و می‌گفتم نه، این شیوه با شخصیت آل احمد جور در نمی‌آید. شما باید این گونه بازی کنید. حتی ایشان را وادار کردم تن صدایشان را از حالت بهم، کمی تیزتر کنند. این انتخاب خیلی به من کمک کرد، چون آن دو عزیز باز یگر تئاتر بودند و تئاتری‌ها نخستین کارشان تمرین روی بیان و صدا است. خیلی از همکاری با آنها راضی‌ام.

نمی‌دادند. در مستند آل احمد می‌بینیم که من تا مقابل آن خانه می‌روم و در خانه به روی من بسته می‌شود. این موضوع که خانه سیمین و جلال پس از مرگ آنها چه خواهد شد، با توجه به این که فرزندی هم ندارند، در ذهن من بود. البته می‌دانستم که این خانه در سال ۸۴ به ثبت آثار ملی رسیده است. وقتی خانم دانشور فوت شدند، دیگر مصمم شدم که حتماً مستندی درباره این خانه بسازم.

در مستندتان از این منظر به خانه سیمین و جلال پرداختید که باتوقی برای برگزاری آن محفل ادبی بوده یا این که خود خانه هم تاثیر و هویتی در روند جریان ادبی این دو نویسنده داشته؟

حتماً تاثیر داشته. بحث‌هایی در پایان فیلم شکل می‌گیرد مبنی بر حفظ و نگه‌داری این خانه و دلیل حفاظت از آن، هویت شهری ماست، چون به هر حال هر شهری با یکسری ابنیه و افراد و مکان‌ها و حتی غذاها و شیرینی‌ها معنی پیدا می‌کند. اگر قرار باشد این معانی با عنوانین شیک‌ی مثل توسعه شهری از بین بروند، دیگر فرق تهران و پکن و مسکو و پاریس چیست؟ اهمیت بسیاری از شهرهای نام‌اشنا که همه دوست

پیش از این، فیلمی به نام «جلال آل احمد» ساخته بودید. ایده شکل‌گیری و تولید مستند «خانه سیمین و جلال» از کجا آمد و با چه دغدغه‌ای سراغ ساخت این فیلم رفتید؟

حکایت این مستند از همان فیلم قبلی شروع می‌شود؛ از سال ۸۶ که داشتم مستند پرتره جلال آل احمد را می‌ساختم. آن زمان هر مطلبی را که به جلال مربوط می‌شد مطالعه و درباره هر مکانی که به این شخص ربطی داشت، تحقیق کردم. یکی از این مکان‌ها، خانه جلال بود. وقتی کتاب سه‌جلدی نامه‌های آل احمد و دانشور را که در سفر دانشور به آمریکای سال‌های ۳۱ و ۳۲ نوشته بودند خواندم، دریافتیم که سه‌چهارم این خانه‌ها مربوط به خانه‌ای در تجریش است و جلال با دست‌های خودش می‌سازد تا دانشور که از آمریکای آید، در خانه خودش باشد. این خانه باسختی‌های بسیاری ساخته می‌شود. همان‌طور که در مستند «خانه سیمین و جلال» هم به آن اشاره شده، روز ۲۸ مرداد آنها به این خانه اسباب‌کشی می‌کنند و مستقر می‌شوند. از این لحظه نطفه یک محفل ادبی و هنری در آن خانه بسته می‌شود. خانه پرماجری بوده. نویسندگان بزرگی به آن خانه رفت‌وآمد داشتند. دو نویسنده مهم و بنام ادبیات معاصر در آن زندگی کردند. خیلی علاقه‌مند بودم که آن خانه جزو مستند پرتره آل احمد باشد.

چرا در مستند پرتره جلال آل احمد به این خانه نپرداختید؟

خب آن زمان خانم دانشور سال‌ها آخر عمرشان را طی می‌کردند و همان سال هم سگته مغزی کردند. کسی را درست به خاطر نمی‌آوردند و کسی را به آن خانه راه

تنها تصویر جلال

در آرشیو تلویزیون حدود سه‌چهار دقیقه فیلم از آل احمد پیدا کردم که بخشی از آن را در مستند «جلال آل احمد» هم استفاده کرده بودم. مافقط یک تصویر از جلال دارم که سال ۱۳۴۷ در دانشگاه تهران و بزرگداشت نیما یوشیج سخنرانی می‌کند. از تصویری که او صدای تیزتری دارد، انتخاب کردم، چون خیلی تند و عصبی بود. آدمی نبود که خیلی بهم و شمرده صحبت کند. در مستند جلال از صدای میکاییل شهرستانی استفاده کرده بودم. خب جلال در سال ۴۷ یک آدمی بوده و سال ۳۲ یک آدم دیگر، یعنی جوان تر بوده، تازه با دانشور از دواج کرده و حرف‌های عاشقانه‌تر بوده.

اصل مطلب

مستند
بلند



Aida in the Mirror

Mokhtar Shokripour wrote a note on how the documentary 'Aida in the Mirror of Shamlou' was made and also about Aida's moral characteristics. The presence of Aida [wife of Ahmad Shamlou, the acclaimed Iranian poet] was not only a great, crucial thing in the life and poem of Shamlou, but also it was a phenomenon in the history of Persian poetry, as the concept of beloved one was changed in modern Persian poetry. Aida, herself, is such a great person that Shamlou wrote such pure poems about her.

Iranian cinema

No.8 - Sun, 7th Dec - 2014

CINEMA VERITE Iran International Documentary Film Festival

صبحانه خورشید در پیراهن دارد

مختار شکری پور کارگردان «آیدا در آینه شاملو» در یادداشتی از چگونگی ساخت این فیلم مستند و نیز ویژگی‌های اخلاقی «آیدا» گفته است

به من اعتماد کرد که درباره شاملو فیلم بسازم. در نهایت دو فیلم «پرواز در دایره حضور» با موضوع زندگی و شخصیت شاملو و «در آستانه بامداد» با موضوع آثار شاملو را ساختم. شرکت در جشنواره پروین اعتصامی هم موهبتی شد که آیدا تدوین فیلم «آیدا در آینه شاملو»، که از دل این دو فیلم و سایر مواد اولیه درآمد، را به خاطر ارج نهادن به پروین اعتصامی و موضوعیت جشنواره که ارج نهادن به مقام والای زن است بپذیرد. حالا هم حضور در هشتمین جشنواره بین‌المللی سینما حقیقت بسی ارزشمندتر است و فرصتی مغتنم‌تر برای دیده شدن این فیلم. البته این فیلم هنوز کامل نیست و جای پرداخت به این موضوع از جنبه‌های دیگری هم هست. امیدوارم با عنایت و لطف آیدا کامل‌تر شود تا برزنده نقش و جایگاه آیدا در زندگی و شعر شاملو باشد و ارائه تصویری کامل‌تر از او دست دهد؛ چون به این قانع نیستم و دم غنیمت شمردنی است به امید ادامه آن. گفتن از آیدا گفتنی نیست و باید محضر ایشان را درک کنید تا بی به آنچه گفتم ببرید. گفتن از سختی‌ها و در عین حال لحظات خوبی هم که در نتیجه دیدارهایم با بزرگان دیگر در این چند سال بر من گذشت فرصتی دیگر می‌طلبید.

جا دارد که در اینجا از همسر صغیرا هم، که در این چند سال همراهی کرد و سختی‌های زیادی را بر خود روا داشت و حتی به من ایده داد، قدر دانی کنم. همراهی که همراه با حضور و صف ناشدنی پسرمان آریاز در زندگی مان شد که هر چند سختی‌های مضاعفی ایجاد کرد اما حضور گرمش شوقی است که تمام زندگی مان را در بر گرفته است!

بر برخی از نوارهای شاملو یا دیگر نوشته‌های او در نشریات را دیده‌اید که چه قدر شیوا و نغز و سرشار از نکته و شاعرانه هستند. مطمئن هستم که «آیدا» شعر هم می‌گوید اما فروتنی به خرج می‌دهد و صحبتی به میان نمی‌آورد. یکبار هم این موضوع را از ایشان پرسیدم که با تبسمی و سکوتی رازدارانه پاسخ داد. البته زیستن چهل ساله در کنار کسی که از عجوبه‌های شعر فارسی و جهان است، حساسیتی خاص در او وجود آورده که در انتشار اثری محتاطانه‌تر و آرمانی‌تر عمل می‌کند و گرنه کلام آیدارا در خیلی جاها شبیه شعر یافته‌ام. همواره فیلم می‌بیند و کتاب می‌خواند. موسیقی گوش کردن و توجه‌اش به این هنر که دیگر با وجودش در هم آمیخته و دستی هم در نواختن پیانو دارد.

چرا نپذیرفت؟

همه این موارد و زندگی ۴۰ ساله ایشان با شاملو مرا بر آن داشت که فیلمی با محور اصلی زندگی او با شاملو بسازم. فیلمی که شخصیت و زندگی کنونی «آیدا» هم در آن تصویر شود اما پیشنهاد مرا با فروتنی و با صراحت و البته نهایت احترام نپذیرفت و گفت: «شاملو و زندگی با او، موهبتی بود که نصیب من شد و سعی کردم که قدر او را بدانم. دوستش داشتم و سعی کردم تا آنجا که از دستم برمی‌آید مسیر زندگی‌اش را هموار کنم. دیگر نمی‌دانم چقدر از عهده این کار برآمده‌ام؟ اگر هم قرار باشد فیلمی بسازید باید درباره شاملو بسازید.»

فیلمی که باید کامل‌تر شود

لطف بی دریغ آیدا همواره نصیب من شده است و بالاخره

حضور «آیدا» نه تنها اتفاقی بزرگ و تعیین کننده و سرنوشت ساز در زندگی و شعر شاملو بود بلکه یک اتفاق در تاریخ شعر فارسی هم بود چرا که چهره معشوق در شعر فارسی دگرگون شد و از آن عالم ماورایی ذهنی و اوج آسمان خیال شاعران به زمین آمد و حضوری عینی و ملموس یافت. این جایگاه آیدا هم یکی از انگیزه‌های من در ساخت این فیلم بود اما محور اصلی، نقش بسیار مؤثر و سازنده و سروسامان دهنده‌ای است که «آیدا» در زندگی شخصی، اجتماعی، ادبی و فرهنگی شاملو داشته است. وقتی شاملو می‌گوید: «آفتاب را در فراسوهای افق پنداشته بودم / به جز عزیمت ناپهنگام گزیری نبود / چنین انگاشته بودم / آیدا فسخ عزیمت جاودانه بود.» دیگر کافی است. خود شخص «آیدا» هم انسانی بسیار شگفت‌انگیز است که شاملو نیز با آن همه دقت نظر و صراحت و بی‌تعارفی چنان شعرهای نابی درباره آیدا سروده است تاجایی که در شعر «شبانه ۲» آیدارا این گونه خطاب می‌کند: «ای پری وار در قالب آدمی...» شعرهایی که با تصمیم قبلی گفته نشده و کوششی نیستند بلکه جوششی اند و به قول خود شاملو از او عبور کرده‌اند. به عنوان مثال شعر: «آیدا در آینه» را شبانه از خواب برخاسته و چون کاغذی در دسترس‌اش نبوده روی دیوار نوشته است.

قدر تمند، نجیب، خلاق

دیگر از مهربانی‌ها و بخشندگی‌ها و غصه خوردن‌هایش از نامالایمات انسانی که گاهی او را به شدت محزون می‌کند و بارها به چشم خود دیده‌ام چه بگویم! غصه کودکان جنگ را خوردن و نگرانی و حزنی که از این همه رخداد فاجعه‌آمیز که مدام در جهان سرشار از خشونت ما اتفاق می‌افتند.

آیدا؛ اصیل و متمدن

آیدا یک زن به معنای واقعی فرهنگی و اصیل و متمدن است. همکاری‌اش با شاملو در پروژه عظیم و ارزشمند کتاب «کوچه» و ادامه این مسیر بعد از شاملو یکی از کارهای او در عرصه پدیدآوردن ادبی و فرهنگی است. او قلم بسیار خوب و متفاوتی هم دارد. شاید نوشته‌هایش از جمله مقدمه‌اش

فضیلت‌های «آیدا»

شاید گفته‌هایم از فضیلت‌های «آیدا»، که در این دیدارهای چند ساله‌ام با ایشان درک کرده‌ام، اغراق تلقی شود اما حقیقت این است: «آیدا»، نه تنها انسانی اخلاقی با کرامت‌های انسانی والا و تحسین برانگیز است بلکه دارای توانایی‌ها و خصلت‌های شگفت‌انگیزی است که نمی‌دانم از کدامین وجه و جنبه‌اش بگویم: زنی قدر تمند، نجیب، خلاق، شجاع، باریک‌بین، واقع‌بین، خوش فکر، خوش نیت و خوش‌بین، به دور از هر گونه عقده روانی و غل و غش. در عین حال صریح و بی‌تعارف و حقیقت‌گرا و متزجر از دروغ و ادا و اطوار.

اصل مطلب

نام فیلم: ۱۲۴

کارگردان: رقیه توکلی

درباره فیلم: «۱۲۴» ماجرای ابوالفضل پسر جوانی است که ۹۸ سانتی متر قد دارد و در بیان یک هتل است. او دوست دارد از دواج کند و سر و سامان بگیرد. شخصیت جالب و دغدغه‌های ابوالفضل محتوای مستند «۱۲۴» را تشکیل می‌دهد. فیلمساز برای جذابیت اثر خود از زبان طنز بهره گرفته تا ارتباط بهتری با مخاطبان برقرار کند که این رویه متأثر از شخصیت محوری فیلم است.



یک جوان عاشق پیشه

روایت رقیه توکلی از مستند ۱۲۴

من در ۸ سالگی که کار فیلمسازی می‌کنم کارهای بسیاری به صورت سفارشی و غیر سفارشی ساختم که اغلب داستانی بودند. «۱۲۴» اولین مستندی است که فرمت ساخت آن متفاوت است. ۱۲۴ درباره پسر ۲۴ ساله‌ای است که در بیان هتل است و ۹۸ سانتی متر قد دارد. یک بار که به هتل محل کارش رفته بودم، او را دیدم. این ملاقات ذهنم را درگیر کرد و با توجه به روحیه جالبی که داشت احساس کردم می‌تواند سوژه خوبی برای فیلم باشد. در ادامه متوجه شدم که «ابوالفضل» یک شخصیت عاشق پیشه است و دوست دارد از دواج کند. طبعاً این علاقه بر جذابیت فیلم اضافه می‌کند اما سعی کردم اخلاقیات را در فیلم رعایت کنم و طوری به موضوع نپردازم که در نظر دیگران کوچک‌ترین ذهنیت نامناسبی نسبت به او شکل بگیرد، در عین حال به دغدغه‌هایش نیز بپردازم. تلاشم این بود که مستند رویکردی روانشناختی داشته باشد و از این نگاه به واکاوی شخصیت جوانی بپردازد که به دلیل نقص مادرزادی خود درگیر بحران عاطفی می‌شود. این نگاه، مستند را از سرگرمی و جذابیت صرف فرامی‌برد و نکات دیگری را پیش روی مخاطب قرار می‌دهد. بنابراین از معرفی ابوالفضل در این مستند هدف عجیبی نداشتم. فقط می‌خواستم او را معرفی کنم، شخصیتش برایم جالب بود و دوست داشتم این شخصیت جالب را دیگران هم ببینند. البته باید بدانید که در نزد مستند ساختن درباره یک شخص کار بسیار سختی است زیرا مردم سنتی هستند و اجازه نمی‌دهند به راحتی وارد حریم خصوصی‌شان شویم. من این سختی را در «۱۲۴» هم داشتم و پس از مدتی توانستم به حریم ابوالفضل وارد شوم. خیلی دوست نداشتم درباره‌اش فیلم بسازم. دوست داشتم فیلم بازی کند اما این که درباره‌اش فیلم ساخته شود، نه. احساس می‌کنم نتیجه «۱۲۴» بسیار جذاب شده و با وجود سختی‌ها خوشحالم که برای اولین بار با یک مستند در جشنواره حقیقت حضور دارم. امیدوارم مخاطبان فیلم را ببینند و راضی از سالن سینما خارج شوند.

مستند کوتاه



دانشمندی ایرانی از نگاهی دیگر

مستند «بوعلی سینا» تلاش می‌کند نگاهی تاریخی به معماری آرامگاه دانشمند بزرگ کشورمان و همچنین جایگاه علمی او در جهان داشته باشد. عبدالخالق طاهری از روند ساخت این فیلم می‌گوید

زهر اعباسی

abbasi2222@gmail.com

آرامگاه بوعلی سینا بنای یادبودی است که در میدان بوعلی سینا در مرکز شهر همدان واقع شده است و در تاریخ ۲۱ اردیبهشت ۱۳۷۶ با شماره ثبت ۱۸۶۹ به عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسید. بنای آرامگاه بوعلی سینا در زمان قاجاریه و به دستور دختری به نام نگار، نوه فتحعلی شاه بنا شد. در سال ۱۳۳۰ انجمن آثار ملی ایران به مناسبت هزارمین سالروز تولد ابوعلی سینا تصمیم به ساخت آرامگاهی جدید گرفت. طرح و نقشه بنای فعلی از سوی مهندس هوشنگ سیحون به سبک معماری قرنیه که بوعلی سینا در آن می‌زیست از روی قدیمی ترین بنای تاریخ دار اسلامی یعنی برج گنبد قابوس در شهر گنبد کاووس اقتباس شد.

ما برای ساخت مستند بودجه محدودی داشتیم. علاوه بر نقاشی، مینیاتور و کتاب‌هایی که درباره شخصیت بوعلی سینا خارج از مرزهای جغرافیایی ایران منتشر شده بود، از دو کتاب هم درباره آرامگاه استفاده کرد. یکی از این کتاب‌ها «هگمتانه» که محمد تقی مصطفوی نوشته است. این کتاب شامل اطلاعاتی درباره آثار تاریخی و باستانی شهر همدان است که فصلی از آن نیز به بوعلی سینا و آرامگاهش اختصاص دارد. کتاب دومی که از آن استفاده کردم، گزارش انجمن آثار ملی نوشته حسین بحرالعلمی بود. بنای آرامگاه بوعلی سینا را انجمن ساخته بود و در واقع همه بناهای آرامگاهی پیش از انقلاب اسلامی در ایران از سوی انجمن ساخته شده‌اند و در گزارش این مرکز اطلاعاتی درباره بنا وجود داشت. منبع سوم من نیز مصاحبه‌ای بود که روابط عمومی بنیاد بوعلی سینا پیش از مرگ مهندس سیحون با ایشان انجام داده بود که بسیاری از نکات را درباره بنا گفته بود.

An Iranian Scholar

Abdol-Khaleq Taheri is the director of the short documentary, 'Avicenna', in which the tomb of the well-known physician, poet, philosopher and scholar is portrayed. It tries to have a historical look at the architecture of Iran's great scholar and his status in the world.

«بوعلی سینا» سفارشی بود؟

تا حدودی. من مجموعه مستندی برای شبکه استانی همدان کار می‌کنم که یکی از آن‌ها درباره بناهای آرامگاهی شهر بود. بناهای آرامگاهی در همدان بسیار است که از آن جمله می‌توان به آرامگاه باباطاهر و بوعلی سینا اشاره کرد. در جریان ساخت این مستند متوجه شدم که آرامگاه بوعلی سینا جای کار بیشتری دارد و لازم است به صورت یک مستند مستقل کار شود و به همین دلیل مستند «بوعلی سینا» شکل گرفت.

یعنی در مستند فقط درباره بنای آرامگاه صحبت شده است؟

من ابتدا چون روی بناها کار کرده بودم موضوع را روی معماری آرامگاه قرار دادم اما بعد که کار مستقل شد به بهانه آرامگاه روی زندگی و کارهای بوعلی سینا هم بحث کردم. به دلیل شخصیت جهانی بوعلی سینا منابع بسیاری درباره‌اش موجود است.

جایگاه تاریخی بنا چه قدر در فیلم پررنگ است؟

بنای آرامگاه بوعلی سینا را مهندس هوشنگ سیحون ساخته است. البته ایشان بنای آرامگاه نادر شاه افشار، خیام و باباطاهر و بسیاری از بناهای آرامگاهی دیگر را نیز طراحی کرده‌اند. بنای آرامگاه بوعلی سینا در واقع ویژگی‌های معماری قابل توجهی دارد و هر ستون و هر پنجره آن هر کدام یک فلسفه دارد و با حساب و کتاب ساخته شده است. معماری این بنا دقیق و حساب شده است و حرف برای گفتن بسیار دارد. وقتی درباره این بنا مطالعه می‌کنید می‌بینید که حتی که یک شکل مربع در آن بدون هدف و فلسفه کار نشده است.

شما این ویژگی‌ها را برای مردم نشان داده‌اید؟

من هم خودم تا پیش از اینکه کار را شروع کنم، اطلاعات خاصی نداشتم. مردم هم معمولاً آرامگاه را دیده‌اند و شاید متوجه آن نشده‌اند و من سعی کردم نتیجه تحقیقات و بررسی‌ها را در مستند نشان دهم.

از چه منابعی در این باره استفاده کردید؟

نیمه بلند
مستند



حدیث نفسی از دوران بیکاری

علی همراز در «آقای بیکار» زندگی خود و اطرافیانی که برای دوره‌ای گرفتار بیکاری شده‌اند را سوژه فیلمش قرار داده است. او از مختصات فیلمش می‌گوید

بنت الهدی صدر

s.b.sadr@gmail.com

«ایده «آقای بیکار» اواسط سال ۹۱ شکل گرفت. آن زمان، عده‌ای از همکاران و دوستانم را می‌دیدم که به نوعی درگیر بیکاری شده بودند. خیلی‌ها به خاطر کمبود بودجه نمی‌توانستند کارشان را شروع کنند، عده‌ای هم با شروع پروژه‌های جدید به خاطر روند نامساعد کار، مجبور می‌شدند آن را کنار بگذارند یا به دلایل گوناگون کارها می‌خوابیدند! این بخش از گفته‌های علی همراز، کارگردان مستند «آقای بیکار» به خوبی گویای درون مایه و حال و هوای فیلم است.

همراز در ساخت تازه‌ترین فیلمش، خود را سفارش دهنده این مستند می‌داند و در بیان دلایل ساخت آن، از یک تحقیق جهانی یاد می‌کند: «سازمان جهانی کار در سال ۲۰۱۲ تحقیقی را با موضوع بیکاری شروع کرد که در سال ۲۰۱۳ به نتیجه رسید. بر اساس این تحقیق از میان جوان‌های ۲۵ تا ۳۴ سال که دقیقاً در سن کار قرار دارند، ۲۰۲ میلیون جوان بیکار در سراسر جهان وجود دارد که از قضا تا سال ۲۰۱۸ نیز سالی دو و نیم میلیون نفر به این تعداد اضافه می‌شود!»

کشمکش «آقای بیکار» و بطالت

همراز بطالت را یک موضوع دراماتیک می‌خواند و از همین دریچه به کالبدشکافی تازه‌ترین مستندش می‌پردازد: «در مستند آقای بیکار، شخصیت اول داستان، راوی ماجراست و تمام تلاش خود را به کار می‌گیرد تا از بطالت خارج شود و به انحای مختلف با این موضوع و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند دچار کشمکش می‌شود.» این مستندساز که ساخت ۲۵ مستند دیگر را نیز در کارنامه خود دارد، اتصال پدیده‌های مختلف اجتماعی به یکدیگر را خاصیت زندگی مدرن عنوان می‌کند و بیان این پدیده‌ها را در الگوی فیلمسازی امری تأثیر گذار می‌خواند: «آقای بیکار، جزو مستندهای اول شخص است؛ این فیلم با درون مایه‌ای اجتماعی در ۱۱۲ جلسه فیلمبرداری شده و در طول دو سال ساخته شده و سعی دارد با به کارگیری جذابیت‌های طنز، وارد جزئیات معضل بیکاری شود. در این مستند سعی شده مسائل و پدیده‌های مرتبط با بیکاری در لایه ضخیمی از طنز، جذابیت و موسیقی پنهان شود و تماشاگر را با خود همراه سازد. در واقع در لایه‌های زیرین فیلم می‌توان سرنخ‌هایی از موضوع اصلی را پیدا کرد.»

مهمترین دغدغه

ساخت این مستند ۵۰ دقیقه‌ای از مهرماه سال ۹۱ آغاز شد و تا اوایل سال ۹۳ ادامه داشت؛ کارگردان مستند «آقای بیکار»، درگیر شدن مخاطب با سوژه فیلم را مهم‌ترین دغدغه خود می‌داند و از همین زاویه به طرح دلمشغولی‌های خود در این مستند می‌پردازد: «جایی خواندم که دیدن فیلم مستند سخت است! اما به زعم من وقتی از فیلم دیدن صحبت می‌کنیم، منظور

تماشای یک هنر است. فیلم، فیلم است دیگر! وقتی اثری را تماشا می‌کنیم، آن را تحمل نمی‌کنیم؛ با فیلم پیش می‌رویم، با شخصیت‌ها و پرسوناژهایش می‌خندیم، گریه می‌کنیم، گاه از آن‌ها بدمان می‌آید و حتی ممکن است به آن‌ها حسادت کنیم. من در تمام مراحل فیلمسازی، خودم را بارها و بارها جای مخاطب می‌گذارم و در لحظه هر اتفاقی که رخ می‌دهد، با خود می‌گویم آیا حسی که به دنبال آن هستم در مخاطب ایجاد می‌شود یا خیر...»

فرصتی برای طرح مسائل اجتماعی

علی همراز که خودش بازگرو راوی «آقای بیکار» هم هست، ریشه‌یابی مسائل اجتماعی را تنها هدف سینمای مستند نمی‌داند و معتقد است این نوع فیلمسازی در طرح مسائل اجتماعی بی‌تأثیر نیست: «و من گاری جمله‌ای دارد که فحوی آن به این مضمون است: «اگر فکر می‌کنیم با نوشتن یک رمان یا ساخت یک فیلم می‌توان جهان را تغییر داد اشتباه است، اما می‌توان تأثیر گذاشت.»

Unemployment's Soliloquy

Ali Hamraz tells the story of his own life and the people around him dealing with unemployment problem. The idea of making this mid-length documentary was formed two years ago. "Many of my colleagues couldn't start working because of financial problems and lack of fund", Hamraz says.

مستند کوتاه

■ نام فیلم: «ن بی در دسر»

■ کارگردان: یلدا قشقایی

■ درباره فیلم: مستند «ن بی در دسر» در ارتباط با دغدغه

فیلمساز زنی است که به موضوعی

می‌پردازد که برای پرداخت آن باید

دل به دری می‌زد و سراغ قاچاقچیان

خطرناک و بی‌رحم عتیقه می‌رفت.



فیلمسازی جسورانه

روایت یلدا قشقایی

از «ن بی در دسر»

«ن بی در دسر» مستند به موضوع یک شبه پولدار شدن و بدون تلاش و زحمت موفق شدن می‌پردازد و سعی کردم با نگاهی ویژه آن را به تصویر بکشم. فکر می‌کنم به عنوان یک فیلمساز زن که در فیلم مستندش به سوژه‌ای پرداخته که شجاعت را باید جاشنی کارش می‌کرد و برای پرداخت درست موضوعی که گریبانگیر بسیاری از افراد طمع کار و شاید ساده جامعه شده است به دل قاچاقچیان عتیقه می‌رفت، بیس از این باید توجه می‌شد. ساخت فیلم «ن بی در دسر» سه سال طول کشید. دلیل آن حساسیتی بود که داشتم و نمی‌خواستم سوژه درست پرداخت نشود. این مستند ۲۸ دقیقه‌ای توانایی این را که تبدیل به یک مستند بلند شود داشت اما به نظرم مهم این است که تصویرهای گرفته شده در راستای هدف فیلم و رساندن مطلب مورد نظر به کار گرفته شود. خوشبختانه نتیجه رضایت بخش است و احساس می‌کنم ریسک و صبر نتیجه داده. اصولاً بنا بر یک خصوصیت ذاتی، خیلی به کارهای آپارتمانی عادت ندارم و بیشتر علاقه مندم در آثاری حضور داشته باشم که ساختش هیجان‌انگیز و پرتحرک باشد. به نظرم اگر شرایطی فراهم شود که مستندهایی از این دست از تلویزیون به عنوان یک رسانه ملی پخش شود بر روی افرادی که به دنبال عتیقه‌جات هستند و می‌خواهند یک شب به همه چیز برسند مفید خواهد بود. امیدوارم فیلم‌های مستند بیش از این مورد توجه قرار گیرند تا هم زحمت فیلمساز دیده شود و هم انگیزه مضاعفی برای ادامه کار او باشد.

یادگاری‌های ماندگار

مروری بر بیادماندنی‌ترین لحظه‌های جشنواره هشتم از نگاه دوربین

جشنواره هشتم هم پایان یافت. این بار اما تفاوت‌ها، دست کم در بخش بین‌الملل کاملاً واضح و آشکار بود. از چهارده‌زیرمجموعه متفاوت در بخش نمایش فیلم‌های خارجی گرفته تا برپایی دوباره بازار فیلم مستند بعد از چندین دوره وقفه و البته این بار به شکلی نو و با ایده‌هایی متفاوت. حضور فیلمسازان و مستندسازان مطرح خارجی در کنار متخصصان و فعالان برجسته این حوزه در سطح بین‌المللی، تعامل سازنده‌ای را میان سینماگران ایرانی و خارجی رقم زد. به ویژه که تعداد نشست‌های تخصصی و کارگاه‌های پژوهشی این دوره به طرز چشمگیری نسبت به سال‌های قبل افزایش یافته و فراتر از بحث کمی، کیفیت گردهمایی‌های مورد نظر نیز از سطح بالایی برخوردار بوده است. امسال، بیش از پنجاه میهمان خارجی از سراسر دنیا به دعوت برنامه ریزان و مسئولان برگزاری جشنواره «سینما حقیقت» به ایران آمدند تا برای نخستین بار با بیش تر، از نزدیک با فرهنگ و فضای سینمای ایران آشنا شوند و باب گفت‌وگو و تعامل را با فیلمسازان حرفه‌ای، متخصصان و استعدادهای جوان ایرانی بگشایند. برگزارکنندگان جشنواره امیدوارند علاوه بر فرصت‌سازی و ایجاد فضایی برای گردهمایی و تبادل نظر با چهره‌های بین‌المللی، قدمی ماندگار در مسیر شناساندن سینمای مستند ایران به جهان برداشته باشند.



هدی هانیگمان، مستندساز سرشناس هلندی، در کارگاه پژوهشی «چگونه در فیلم مستند مصاحبه کنیم؟»



دیوید لوبران مستندساز امریکایی و همسرش در نشست نقد و بررسی مستند «رقصدگان خداوندگار ما یز»



یاقوت جوده سعیدالدیب، منتقد سینما و عضو فیپرشی، داور مصری بخش مسابقه فیلم‌های نیمه بلند و کوتاه



نشست نقد و بررسی مستند «پژواک‌ها» به کارگردانی سلین کاریدرو و آلین سوتر - سوییس



ایتسوشی کاواسه، مستندساز ژاپنی، بعد از برگزاری کارگاه «انسان‌ش



سید محمد مهدی طباطبایی نژاد، دبیر جشنواره و دکتور ریچارد پیتگرو، مدیر جشنواره فیلم تاک امریکادر چهارمین بازار فیلم مستند



نخستین روز چهارمین بازار فیلم مستند با حضور آن تومه، برنامه جشنواره فیلم مونیخ



میزگرد تخصصی چهارمین بازار فیلم مستند با حضور میهمانان خارجی و متخصصان بین الملل



یرساروکا فانبرگ، مستندساز ايسلندی، در جلسه نقد و بررسی «سالومه»



سینما فلسطین در ایام برگزاری جشنواره به این شلوغی ها عادت کرده بود



اووهر یسه یانسن، نماینده شبکه مستند اروپا (EDN) که هدایت کارگاه های تولید مستند را بر عهده داشت



ترولس لی، مستندساز و منتقد نروژی، در کارگاه پژوهشی «فیلم مقاله»، بخش مروری بر آثار کریس مارکر



بناسی تصویری

عکس روز



همه وارِه!

«همه آمده بودند» یا «همه آمدند» از تیتراژهای مرسوم و البته مورد علاقه اهالی رسانه برای توصیف رویدادهایی است که با استقبال ویژه همراه می شوند. در جشنواره سینما حقیقت اما ایده‌های این «همه بودن» را جلوه‌ای بصری داده بود و هر روز می توانستیم دیوارنگار منقش به تصاویر مستندسازان ایرانی و خارجی را در کاخ جشنواره مشاهده کنیم. تفاوتی هم میان مستندسازان با سابقه و تازه کار نبود. پازل اصلی جشنواره امسال با قطعه‌هایی تکمیل شده بود که روی هر یک تصویر یکی از مستندسازان ایرانی خوش نشسته بود. این یعنی به بهانه جشنواره گرد آمدیم تا یک کلیت به نام «سینمای مستند» را پاس بداریم. کلیتی که قطعاً تا سال‌های سال ظرفیت افتخار آفرینی دارد.



نشریه روزانه هشتمین جشنواره بین المللی فیلم مستند ایران زیر نظر روابط عمومی مرکز گسترش سینمای مستند تجربی

یک اتفاق ویژه

استقبال از چهار کتاب رونمایی شده در جشنواره امسال چگونه بود؟

و غنای این برنامه بیشتر عیان شد. مجموعه چهار کتابی که دور از ذهن نیست بعداً به عنوان یکی از مهم‌ترین دستاوردهای جشنواره هشتم سینما حقیقت مورد راجع قرار گیرد. اگر در این تردید دارید بد نیست بدانید همین چهار کتاب که در ایام برگزاری جشنواره و پس از آن رونمایی با تخفیف ۳۰ درصدی به فروش می رسیدند با استقبال دور از انتظاری مواجه شدند. ویژه‌ترین استقبال هم از کتاب تازه دکتر ضابطی جهرمی بود که اگر چه نزدیک به ۱۰۰ نسخه از آن به شکل رایگان به مهمانان جشنواره هدی به شد اما در بازار کتاب جشنواره هم رکورددار فروش بود.

پیش از جشنواره اگر صحبت از برنامه‌ریزی برای رونمایی از چهار جلد کتاب از تولیدات مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی در ایام برگزاری هشتمین «سینما حقیقت» به میان می آمد، احتمالاً بیشتر اذهان به سمت رویدادی کلیشه‌ای و احتمالی حاصل از جنس برنامه‌های پرکننده بیلان کاری مدیران می رفت. در ایام جشنواره و با رونمایی از چهار کتاب «شکل شناسی و گونه شناسی فیلم مستند» به قلم دکتر احمد ضابطی جهرمی، «مستندسازان سخن می گویند» با ترجمه شاهپور عظیمی، «واقعیه در قاب» تالیف احمد طالبی نژاد و «سینما و جهان ایرانی» تالیف عباس و علی اکبر عبدالعلی زاده روز به روز جدیت

خبر ویژه

- مدیر مسئول: محمد مهدی طباطبایی نژاد
- سر دبیر: آر ش خوشخو
- دبیر تحریریه: وحید سعیدی
- مدیر هنری: محمد نیاتی نژاد
- دبیر اجرایی: مرجان فاطمی

- سینمای ایران: احمد رنجبر
- بخش بین الملل: آیدا تدین
- بخش خبری: محمد صابری
- بخش عکس: حامد خورشیدی

- تحریریه: محمد صادق شایسته
- احمد رضا حجاز زاده، زهرا عباسی
- آزاده باقری، شیمانا انتظاری
- بنت الهدی صدر و علی اکبر دهیان

- عکس: حامد بارچیان
- هدیه میر حسینی و علیرضا تقوی
- صفحه آرایی: سحر برزگری
- حروف نگار: مسعود عسگری
- ویرایش عکس: امیر علیزاده
- ویرایش و تصحیح: مهری فدایی مقدم

با سپاس فراوان:

مهر داد اسکویی، محمد آفریده و محمدرضا مقدسیان

با تشکر از همراهی:

علی اصغر لشنی

شور و حالی پراز تعلیق

«سینما حقیقت» به روایت فتح اله امیری

واقعیت این است که برای طراحی ایده یک فیلم مستند نیاز به زمان بیشتری است اما فکر می کنم برای ساخت یک مستند درباره «سینما حقیقت» تلاش کنم تعلیقی به وجود بیاورم با چند سوال و در قالب یک مصاحبه تا از مخاطبان حاضر در جشنواره بپرسم به نظرتان بهترین مستند جشنواره کدام است؟ قبل از این سوالات هم به صورت پژوهشی مروری بر فیلم‌هایی که نامش در روزهای برگزاری جشنواره بر سر زبان است و توجه بیشتری به سمتشان است خواهم داشت. حین نظر خواهی درباره بهترین فیلم هم پس از دیدگاه هر یک از مخاطبان بخش های کوتاهی از مستندی که به زعم این مخاطب بهترین فیلم جشنواره است را می بینیم. این شرایط باعث به وجود آمدن تعلیقی پیرامون این پرسش می شود که واقعا بهترین فیلم جشنواره سینما حقیقت از نگاه مخاطبان کدام است؟ این پرس و جودا می کند تا لحظه‌ای که بر مبنای جمع بندی دیدگاه‌های مطرح شده اعلام می کنیم بهترین مستند کدام بوده است و این پایان فیلم خواهد بود. در این فرآیند اصلا هم بحث داوری مطرح نمی شود چرا که در قالب این مستند بیشتر می خواهیم روایتی از نظر و سلیقه طرفداران سینمای مستند ارائه کنیم. حتی برای دقت بیشتر می توان تنها روی یکی از بخش های جشنواره متمرکز شد و فقط فیلم‌های آن بخش را مورد ارزیابی مخاطبان قرار داد. این ساختار به نوعی تبدیل به یک مصاحبه رندوم از مخاطبان می شود و برای رسیدن به جمع بندی نظرات تعلیقی به وجود می آید که می تواند باعث کشش مخاطب شود. تأکید می کنم که اصلا قیاسی میان داوری و نتایج این نظر سنجی تصویری نخواهم داشت چرا که معتقدم ممکن است جمع بندی این نظرات پراکنده اشتباه باشد. این مستند کاملاً روی سلیقه مخاطبان سینما حقیقت متمرکز خواهد بود و نتایج آن الزاماً به معنای معرفی برترین مستند نیست. به خصوص که برخی مستندسازان گنگ و دسته دارند که ۳۰۰ یا ۴۰۰ رقیف خود را موقع نمایش فیلم به جشنواره می آورند اما این الزاماً به معنای خوب بودن فیلم نیست. با این وجود اما همین گنگ و دسته‌ها هم می توانند به شور و حال جشنواره کمک کنند.



مستند فوری

«مستند فوری» فرصتی است برای روایت مهم‌ترین گردهمایی مستندسازان ایرانی به روایت خودشان. این مختصر بهانه‌ای است برای ثبت و مرور روزانه هشتمین جشنواره بین المللی «سینما حقیقت» از لنز دوربین مستندسازان. طرح مار سیدن به طرح کلی ساخت یک مستند درباره «سینما حقیقت» بود. آنچه در این شماره می خوانید ایده فتح اله امیری برای ساخت این مستند است: